

ملاقات با هدام حسین منوط به موفقیت مذاکرات در سطوح پایین تر است

هفته گذشته رفسنجانی در یک کنفرانس مطبوعاتی شرکت کرد و از جمله، درباره نامه‌های مبادله شده میان دولت‌های ایران و عراق و روند پیشرفت مذاکرات صلح، سخن گفت. وی اظهار داشت که ملاقات روسای جمهور دو کشور به شرطی برگزار خواهد شد که مذاکرات در سطح کارشناسان و در زیر نظر دبیرکل سازمان ملل، قبل از موفقیت دیدار روسای جمهور راتضمین کرده باشد. بدین ترتیب، با گذشت دو هفته پس از انتشار خبر دیدار احتمالی رفسنجانی و صدام حسین، امیدهایی که در این رابطه برانگیخته شده بود کاهش یافت. اینکه مذاکرات در

توسط هراق، آنها به هراق تحویل داده خواهند شد. اعتراض جمهوری اسلامی نتوانست دولت رم را از تصمیم خود منصرف کند. اکنون که قرار است کشتی‌های جنگی هراق از مسیر تنگه هرمز به هراق بروند، شمخانی با یک موضع‌گیری تشنج آفرین، به نسبت به این امر واکنش نشان می‌دهد. دولت هراق در پاسخ به اظهارات شمخانی تاکید کرد که تنگه‌هرمز یک آبراه بین‌المللی است و ممانعت از عبور کشتی‌های سایر کشورها از آن توسط جمهوری اسلامی، نقض آتش بس خواهد بود.

از سوی دیگر خبرگزاری جمهوری اسلامی گزارش داد دولت ایران یک بار دیگر در نامه‌ای به دبیر کل سازمان ملل مواردی نقض آتش بس توسط هراق از تاریخ ۲۱ مهر الی سوم آبانماه ۱۳۸۰ را به اطلاع وی رسانده است. طبق این گزارش، این موارد عبارتند از: فعالیت‌های مهندسی شامل حفر کانال‌های متعدد، احداث سنگرهای شنود و دیده‌بانی، نصب تیربار هوایی در منطقه دهلران و نصب سیم خاردار و مین‌گذاری در منطقه بانه. نامه‌مزبور همچنین به احداث یک جاده، پرواز هواپیماهای هراقی در منطقه نفت شهر به سمت ایلام، و پرواز هلی‌کوپترهای هراقی در منطقه مریوان اشاره شده است. نامه جمهوری اسلامی می‌افزاید در

بقیه در صفحه ۲

شمخانی فرمانده نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی که چند ماه پیش به حکم خامنه‌ای یک شبه درباردار شده و از سیاه به ارتش انتقال یافت، سه شبیه هفته گذشته در مصاحبه‌ای با روزنامه اطلاعات گفت که نیروی دریایی، اجازه عبور کشتی‌های جنگی خریداری شده عراق از تنگه هرمز را نخواهد داد. این کشتی‌ها توسط عراق از ایتالیا خریداری شده‌اند. دولت ایتالیا تا هنگامی که جنگ ایران و عراق ادامه داشت، از تحویل کشتی‌های مزبور به عراق خودداری می‌کرد. اما چندی پیش اعلام شد که با توجه به پرداخت بهای کشتی‌ها

اینک در دومین سالگرد کشتار
همگانی زندانیان سیاسی، امیال
جنايتکارانه خود را با قصد اعدام ۹
ن از آنان دنبال می‌کنند.
مامورین رژیم، ۸۱ تن زندانی
سیاسی مزبور را، بهنگام دیدار
گالیندوپل، فرستاده ویژه
دبیرکل سازمان ملل از زندان
اوین، مخفی کردند تا وی امکان
دیدار با آنان را نیابد. همسران و یا
یک یا چندین از دیگر همزبان
بسیاری از این زنان زندانی توسط
جنايتکاران حاکم اعدام شده‌اند.
از سوی سازمان حقوق بین الملل
نیز بیانیهای در زمینه اعلام خطر
نسبت به جان ۸۱ تن از زنان زندانی
صادر شد. این بیانیه توسط
سازمان حقوق بین الملل برای
مسئولین رژیم نیز ارسال شده
است.

زنانی که در معرض اعدام قرار گرفته‌اند هم‌وما بیش از ۶ سال است در زندان به سر می‌برند. نام

بقیه در صفحه ۲

دگان نسبت داده اند،
شدید با نویسندگان

آزادی مبنی بر داشتن رابطه
با آمریکا را صریحا تکذیب کرد!
و گفت : علیه ناشران کیهان
و جمهوری اسلامی و همچنین علیه
هلی اکبر محتشبی وزیر سابق
کشور و آنچه در شماره
دیماه نشریه پاسدار اسلام درج
گردیده به مقامات قضایی اعلام
جرم کرده است."

گزارش‌های دریافتی از خطر جدی اعدام گروهی از زندانیان سیاسی زن حکایت دارند. براساس این گزارش‌ها خطر مرگ ۹ تن از زندانیان سیاسی زن را تعدید می‌کند. رژیم آخوندهای ددمنش که از مدت‌ها پیش ۸۱ تن از زنان زندانی زنان اوپین را تحت انواع فشارهای جسمی و روانی قرار داده بودند تا آنان را به ترک مواضع خود و توبه وادارند،

✽ خبر بازداشت عزت‌اله سبحانی، عبدالعلی بازرگان، محمدحسین بنی‌اسدی، نورعلی تائیده، رضا صدروف‌فرهاد بهیانی اعلام شده است

فعالیت نهضت آزادی را داده است.
روزنامه کیهان وابسته به جناح محتشمی در شماره ۱۳ خرداد خود در خبری تحت عنوان «تکذیب رابطه با آمریکا در

پاسداران، به زندان انتقال یافته‌اند.
دستگیری مسئولان نهضت آزادی، بدنبال انتشار نامه ۹۰ نفره شخصیت‌های عضو این گروه سیاسی و نزدیک به آن، که واکنش

به گزارش تلویزیون جمهوری اسلامی، چند تن از نزدیکان مهدی بازرگان به اتهام ایفای نقش "ستون پنجم" عراق بازداشت شده‌اند. بیانیه بازداشتی تهران که در گزارش مزبور از آن نقل شده، حاکی است چند عضو نهضت آزادی که دستگیر گردیده‌اند، متهم به داشتن "تماسهای پنهانی و سازمان یافته که در طول چندسال گذشته بطور پیوسته با محافل خارجی برقرار کرده‌اند" هستند.

خصمانه مقامات رژیم را
 برانگیخت، صورت می گیرد. هلی
 اکبر محتشمی وزیر کشور پیشین
 و نماینده فعلی مجلس بدنبال انتشار
 نامه ۹۰ نفره، دستخطی از خمینی
 در روزنامه ها چاپ کرد که در آن،
 خمینی در سال ۶۶ دستور منع

منابع مستقل گزارش داده‌اند
عبدالحی بازرگان فرزند مهندس
بازرگان از جمله دستگیرشدگان
است. وی و هفت نفر دیگر پس از
تفتیش خانه‌هایشان توسط

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتبریت)

بازداشت ناراضیان و غیرقانونی کردن جمعیت دفاع از آزادی را محکوم می‌کنیم

در صفحه ۲

در حاشیه اجلاس واشنگتن

66 مشخصات دوران نوین 99

قطبی، به جهان یک قطبی تبدیل نخواهد شد. درست است که ایالات متحده، نقش خود را به عنوان رهبر و هماهنگ کننده جهان سرمایه داری، کمابیش با موفقیت ایفا کرده است. درست است که این کشور نه از بحران داخلی رنج می برد و نه از بحران روابط با سایر کشورها. اما در جهان آینده از آنچه زمینه و حامل اصلی شکل گیری جبهه واحد کشورهای سرمایه داری تحت رهبری آمریکا بود، چیزی نمی ماند. دو قطبی بودن جهان، یک قطبی بودن جهان سرمایه داری را ایجاب می کرد. آمریکا، که دیگر ساهاست به لحاظ اقتصادی، در میان کشورهای سرمایه داری فعال مایه اش نیست، هم در اروپا و هم در خاور دور، تنها بر اساس

مقدمه صفحه ۲

”سوسیالیسم“ به شمار می‌رفت، نشانی نخواهد بود. ظاهراً چنین به نظر می‌رسد که ایالات متحده، در قیاس با شوروی به لحاظ سیاسی در موقعیت بسیار بهتری قرار دارد: آنچه طی چهل سال، حداقل بطور رسمی اهداف سیاست آمریکا در قبال اروپا را تشکیل می‌داد، تحقق یافته است. ناتو کماکان موجودیت دارد و بیشترین نقش در آن، بر عهده ایالات متحده است. آمریکا مشکلات داخلی شوروی را ندارد و گفته می‌شود محبوبیت جرج بوش نزد مردم این کشور از رهبریس جمهور پیشین بیشتر است. اما اینجا، همه واقعیت نیست. اینکه، که خطوط اصلی چهره آینده جهان شکل می‌گیرد، می‌توان دریافت که جهان دو

جنگ سرد به پایان رسید. این پایان، به گونه‌ای بسیار متفاوت از آن است که در تصورات نیروهای چپ، و به ویژه نیرویی که خود را «جنبش جهانی کمونیستی» می‌دانست، می‌گنجید. اقتصادشوری در حالی رهبر خود را به اجلاس سران در واشنگتن فرستاد که برای نخستین بار، رهبر شوروی تنها و تنها این کشور را نمایندگی میکند. از «سیستم جهانی سوسیالیستی» چیزی باقی نمانده است. پیمان ورشو، دیگر هملاً موجودیت ندارد. در اکثر کشورهای اروپای شرقی، انتخابات برگزار شده است و کمونیستها دیگر حکومت نمی‌کنند. در آینده این کشورها، از ویژگیهایی که در دستگاه فکری گذشته «جنبش کمونیستی»، مختصات

*** پکن یک سال پس از تراژدی تین - ان - مین**

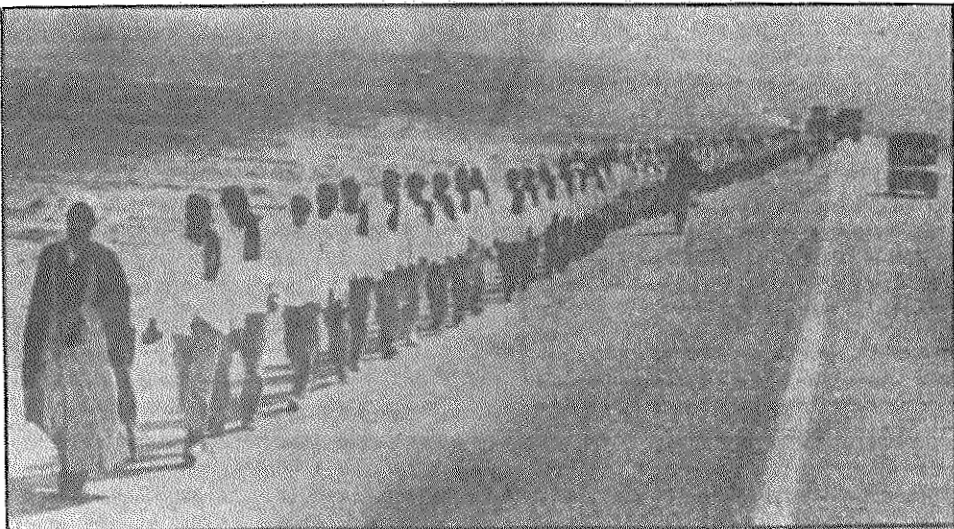
در این شماره

* قانون جديد اتباع خارجي در آلمان فدرال

* گردهمائی "ائمه جمعه" در تهران

در صفحه ۳۷

در صفحه ۴



رؤیم آخوندی برای برگزاری مراسم سالگرد مرگ خمینی ماه هاتدارک دید و تبلیغ کرد. از جمله با تبلیغات زیاد کاروان هائی از افراد حزب الهی را به راه انداخت که به سمت مدفن خمینی راهپیمائی کردند. عکس فوق "کاروان راهیان عشق" را که از سیمان به راه افتاده اند، نشان می دهد. رؤیم نتوانست بر سر قبر خمینی، جمعیت زیادی را گرد آورد. در تبلیغات حکومتی رقم ۸ میلیونی ذکر شد. اما خبر نشانان فریبی که برای تهیه گزارش مراسم سالگرد خمینی توسط جمهوری اسلامی دعوت شده بودند، جمعیت را صد هزار نفر گزارش کرده، فیلم تلویزیونی آن را نیز نمایش دادند.

گروهی از زندانیان سیاسی زن در معرض خطر اعدام

می‌برد. او همسر مترجم معروف محمد پورهره‌زبان از رهبران حزب توده ایران است که در موج کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ اعدام شد. ملکه محمدی مدتی را نیز با در دست داشتن حکم اعدام در زندان بسر برده است. * ناهید درویدی از سال ۶۲ در زندان بسر می‌برد و به ۱۲ سال زندان محکوم شده است.

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

از بروز فاجعه دیگری جلوگیری کنیم

هم میهنان
خبرهای نگران کننده از زندان‌های جمهوری اسلامی حاکی است که رژیم ولایت فقیه در تدارک جنایت جدیدی است. جلادان رژیم پس از پایان یک دوره قتل عام زندانیان سیاسی به فکر کشتار دیگری افتاده‌اند. این بار جان بیش از ۸ تن از زندانیان سیاسی زن در معرض خطر قرار گرفته است.

رژیم فریاد دادخواهی خیل عظیم خانواده‌های زندانیان سیاسی را در اعتراض علیه بازداشت و شکنجه آنان را می‌خواهد با انتقام پاسخ گوید. گستاخی آشکار رژیم در نقض حقوق بشر بار دیگر مجامع بین المللی را به واکنش و اعتراض علیه آن واداشته است. سازمان هغو بین المللی طی دو گزارش جداگانه که انتشار داده تصریح کرده است که ۸ تن از زندانیان سیاسی با خطر قریب الوقوع اعدام مواجه هستند که اسامی آنان عبارت از: ۱- مریم فیروز ۷۵ ساله از رهبران سابق حزب توده ایران و رئیس سازمان دموکراتیک زنان ایران ۲- دکتر میترا عاملی پزشک همسر رفیق شهید انوشیروان لطیفی ۳- دکتر فاطمه ایزدی پزشک همسر رفیق شهید فریبرز صالحی ۴- ملکه محمدی ۶۵ ساله سردبیر سابق روزنامه مردم و دنیا همسر رفیق شهید محمدپور هرهمان ۵- فاطمه (زهره) صدیق تنکابنی همسر رفیق شهید علیرضا کیایی ۶- فاطمه حسینی زاده (گیتی آذرنگ) همسر رفیق شهید سعید آذرنگ ۷- زهره قاضی ۸- ناهید درویدی.

سازمان هغو بین المللی به بازداشت‌های غیرقانونی شکنجه و محاکمات قلابی و همچنین اعدام متهمین که هنوز در ایران اعدام دارد اعتراض کرده است. هغو بین المللی اعلام کرده که ۱۲ تن از زندانیان بدون اینکه قوانین بین المللی در محاکمه آنها رعایت شده باشد محاکمه و محکوم شده‌اند. اینان زندانیانی هستند که به جرم داشتن عقاید سیاسی مخالف رژیم دستگیر شده‌اند. هغو بین المللی ضرورت آزادی بدون قید و شرط آنان و دیگر زندانیان سیاسی شده است.

اجرای سیاست ضدبشری نابودی مخالفین که در اسارت قرار دارند هم چنان ادامه دارد. رژیم به تدارک برای کشتار جدید ادامه همان سیاست‌های گذشته رژیم در احیا فیزیکی مخالفین و محروم کردن جنبش از مبارزان مجرب و با سابقه است. رژیم علیرغم این همه افشاگری‌ها و رسوائی‌ها در همه جهان هنوز در سرنگرفته است و به این همه اعتراض که تاکنون علیه وی صورت گرفته می‌گیرد بی‌اعتنا مانده است. علاوه بر خبرهای نگران کننده، مبنی بر تدارک اعدام زندانیان زن، گفته می‌شود که جان نورالدین کیانوری دبیر اول سابق حزب به همراه همسرش خانم مریم فیروز در خطر است. دادستان انقلاب اسلامی نیز چندی پیش اعلام داشت که ۱۰ نفر دیگر به اتهام جاسوسی یزیدی اعدام خواهند شد.

این زنان قهرمان که به جرم دفاع از آزادی، دموکراسی و عدالت در چنگال رژیم گرفتار آمده‌اند بیش از ۸ سال است که در اسارتگاه‌ها، زهره وجودشان که آکنده از عشق به مردم، زنان و کودکان میهن ماست، ذوب می‌شود. چهره‌ای نجیب و تکیده از رنج و شکنجه آنان نشان رنج مردم بلا کش ما و قامت برافراشته آنان در مقابل جلادان آئینه دلاوری و مقاومت خلق ما علیه پیداد و شقاوت است. به دفاع از این فرزندان میهن ما برخیزیم و سایه شوم ساطور خون چکان جلادان راز سران دور کنیم. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از همه مجامع معتبر و ذی نفوذ بین المللی و دولت‌های خواهد که کمر همت بندند و هر آنچه که در توان دارند بکار گیرند تا از بروز یک جنایت دیگر در ایران جلوگیری شود.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۲۰ خرداد ماه ۱۳۶۹

می‌انجامد. اما بوش ترجیح داد در شرایطی که رئیس جمهور شوری در مقابل به بحران‌های داخلی به موفقیت‌هایی در سیاست خارجی نیازمند است، مسئله جمهوری‌های بالتیک را به مانعی در راه گسترش روابط دو جانبه تبدیل نکند. البته ناگفته نماند که پافشاری دولت بوش و ناتو بر عضویت آلمان واحد در این پیمان، که در اتحاد شوروی بعنوان تهدیدی علیه امنیت این کشور تلقی می‌شود، کمکان در صدر فهرستی طولانی از سیاست‌های مخرب و منفی آمریکاست که رنگ و بوی جنگ سرد را دارد، فهرستی که در آن، از حمله گستاخانه به پاناما تا حمایت افراطی از اسرائیل و

بقیه از صفحه اول
و برخی مشخصات ۸ تن از آنان عبارتست از:

* زهره صدیق تنکابنی، او از سال ۶۲ در شکنجه‌گاه رژیم ملایان بسر می‌برد. زهره تنکابنی همسر رفیق شهید علیرضا کیایی است که در فاجعه کشتار زندانیان سیاسی اعدام شد. علیرضا کیایی از فعالین سازمان فدائیان خلق (اکثریت) بود. زهره صدیق تنکابنی بخاطر فعالیت سیاسی و ارتباط با سازمان چریک‌های فدایی خلق مدت ۵ سال را نیز در زندان رژیم ستمشاهی بسر برد. * مریم فیروز از رهبران حزب توده ایران و مسئول سازمان زنان این حزب، سازمان دموکراتیک زنان بود. مریم فیروز ۷۵ سال دارد. علیرغم کحولت سن و بیماری، اعمال فشار توسط مامورین جنایتکار رژیم بر او ادامه داشته است. مدتی پیش «نامه مردم» خبر قطع ملاقات مریم فیروز و همسرش نورالدین کیانوری دبیرکل سابق حزب را بعنوان نشانه خطر اعدام آنان و قصد رژیم در این زمینه درج کرده بود.

* دکتر فاطمه ایزدی در سال ۱۹۸۳ بازداشت شد و به ۲۰ سال زندان محکوم گردید. او همسر رفیق فریبرز صالحی

است که در کشتار همگانی زندانیان سیاسی اعدام شد. فاطمه ایزدی بخاطر شرایط ناهنجار بهداشتی زندان به بیماری سل مبتلا شده است.

* زهره قاضی از رهبران سازمان جوانان توده نیز مدت ۷ سال است که در زندان بسر می‌برد. او مورد شکنجه مستمر قرار گرفته است. مدت محکومیت رسمی او ۸ سال است.

* ملکه محمدی ۶۵ سال سن دارد و از ۷ سال پیش در زندان بسر

در حاشیه اجلاس واشنگتن

مشخصات دوران نوین

بقیه از صفحه اول
نیروی نظامی فائقه خود، فرماندهی جنگ سرد را بر عهده داشت. اینک، جهان در مسیر غیرنظامی شدن گام نهاده است. این روند را دیگر نباید فقط با محک تعداد موشک‌های محو شده سنجید (در این هرصه، اجلاس واشنگتن زیاد موفقیت آمیز نبود). غیرنظامی شدن جهان، قبل از هر چیز، غیرنظامی شدن سیاست، و بدنبال آن، غیرنظامی شدن اقتصاد است. این بدان معنی نیست که دیگر درگیرهای نظامی در هیچ نقطه جهان وجود نخواهد داشت. اما رویارویی و رقابت نظامی دو بلوک، دیگر تعیین کننده سرنوشت جهان نیست. آنچه مسیر سیاست جهانی را رقم می‌زند، پدیده‌های بفرنج جهانی، مانند چگونگی تنظیم روابط اقتصادی بین‌المللی، و مسائل سیاست داخلی کشورهاست.

از یک سو اهمیت، و از سوی دیگر بی‌اهمیتی اجلاس اخیر واشنگتن نیز در همین جاست. این اجلاس، از آن رو مهم بود که نخستین ملاقات سران آمریکا و شوروی پس از پایان جنگ سرد بود و از آن رو اهمیت دیدارهای پیشین را نداشت که نخستین ملاقات در "دوران نوین" بود، دورانی که دیگر توافقی‌های مسکو و واشنگتن نقش کلیدی سابق خود را در آن از دست می‌دهد. دیگر رهبران دو کشور، سرنوشت

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بازداشت ناراضیان و غیرقانونی کردن جمعیت دفاع از

آزادی را محکوم می‌کنیم

هم میهنان عزیز!
اخبار و اطلاعات موثق حاکی از آن است که روز ۲۲ خرداد عده‌ای از شخصیت‌های سیاسی کشور که به سرکوب آزادی‌های سیاسی اعتراض کرده‌اند، خودسرانه بازداشت شده‌اند. اسامی آقایان عزت اله سبحانی، عبدالعلی بازرگان، محمدحسین بنی‌اسدی، نورعلی تابنده، رضا صدر و فرهاد بهبهانی جزو بازداشت‌شدگان اعلام شده‌است. آن‌ها همه جزو امضاکنندگان نامه سرگشاده‌ای هستند که چندی پیش به امضا ۹۰ نفر از آزادیخواهان ایران در اعتراض به سیاست رژیم و فقدان آزادی احزاب و مطلوبات خطاب به رئیس‌جمهور انتشار یافت. این بازداشت‌ها تنها در آخرین لحظات روز ۲۲ خردادماه از طرف خبرگزاری رسمی رژیم تأیید گردید. مطابق این خبر، بازداشت‌ها بر اساس حکم دادستان انقلاب تهران صورت گرفته است. مطابق این حکم، جمعیت دفاع از آزادی غیرقانونی و فعالیت آن ممنوع اعلام شده است. دلیل رسمی بازداشت‌ها تماس پنهانی با محافل بیگانه اعلام شده است.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) این اقدام سرکوب‌گرانه رژیم را به شدت محکوم کرده و از مضمون خواهانه مندرج در نامه مذکور قویا پشتیبانی نموده و خواهان قطع بازداشت‌ها و آزادی فوری و بی‌قید و شرط بازداشت‌شدگان است.

علاوه بر این بازداشت‌ها، سران سیاهاکار رژیم پس از

هم میهنان عزیز!
سران رژیم ولایت فقیه که طی دوازده سال با کشتار فجیع و بی‌رحمانه ده‌ها هزار نفر از مخالفان، حکومت خود را مستقر

امنیت به وی، به منطقه سفر کند. کیهان در گزارش خود می‌افزاید: "نماینده ایران در ملاقات با دکوئیر یک باردیگر یادآور شد که تنها راه برقراری صلح بین دو کشور اجرای قطعنامه ۵۹۸ است. وی همچنین در این ملاقات دبیرکل را در جریان جدیدترین مسایل مربوط به ایران و عراق قرار داد. دکوئیر نیز ضمن استقبال از دعوت ریاست جمهوری گفت موضوع سفر به منطقه را دولت عراق نیز مطرح خواهد کرد."

همانگونه که در شماره‌های گذشته "اکثریت" گزارش دادیم، در جریان برگزاری اجلاس سران حزب در بغداد، اخباری دایر بر سفر یاسر عرفات به تهران و میانجی‌گری او میان ایران و عراق انتشار یافت. پس از به پایان رسیدن نشست بغداد و موضع‌گیری یکجانبه این نشست به سود رژیم عراق، سفر عرفات متغی شد. جمهوری اسلامی با تاخیری چند روزه پس از انتشار خبر سفر احتمالی عرفات، این خبر را تنها پس از پایان اجلاس بغداد تکذیب کرد. سفیر جمهوری اسلامی در دمشق طی مصاحبه‌ای با خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت: "هملکرد یاسر عرفات در صحنه فلسطین و موضع‌گیری‌های یکجانبه اش بنفع عراق زمینه پذیرش وی را... از میان برده است و گزارش سفر وی به تهران و انجام میانجی‌گری مردود می‌باشد.

مأموریت محوله از سوی شورای

موضع‌گیری تشنج آفرین شمعانی

بقیه از صفحه اول

تاریخ ۲۴ اکتبر (دوم آبان) در منطقه "علی شیریک" نیروهای عراقی به سوی خطوط دفاعی ایران شلیک کرده‌اند که به مجروح شدن یک سرباز ایرانی انجامیده است. طبق ادعای جمهوری اسلامی، نظامیان عراقی در همین مدت در مشت مورد مبادرت به شلیک گلوله‌های توپ و تیربار سنگین به سمت مناطقی در داخل خاک ایران کرده‌اند. نامه ایران، تعداد موارد نقض آتش‌بس توسط عراق از ابتدا تا سوم آبان ۶۸ را ۲۷۳۹ ذکر می‌کند.

در شرایط بن بست مذاکرات صلح، ایران و عراق هر از چندی نامه‌هایی به سازمان ملل می‌فرستند و یکدیگر را متهم به نقض آتش بس می‌کنند. انتشار این نامه‌ها، نشانه‌ای از عدم پیشرفت مذاکرات است.

به نوشته کیهان ۱۲ خرداد، کمال خرازی نماینده دائم جمهوری اسلامی در سازمان ملل طی ملاقاتی به دبیرکل این سازمان، یک پیام شفاهی از فرستجانی رابه اطلاع‌وی رساند. گزارش کیهان می‌افزاید این پیام، حاوی درخواستی برای ادامه تلاش‌های دبیرکل جهت اجرای سریع و کامل قطعنامه ۵۹۸ بوده است. در این پیام، فرستجانی از پرزدکونیار دعوت کرده است تا در جهت اجرای مأموریت محوله از سوی شورای

گردهمایی "ائمه جمعه" در تهران

اسلامی در همین حال گفت این موضوع، دخالت در امور داخلی هندیست!

لاریجانی مشاور ولایتی که اخیراً هادی قناری به دلیل سخنان آشتی جویانه اش در مورد آمریکا و عربستان سعودی خواهان شلاق خوردنش شده بود، سخنران دیگر گردهمایی "ائمه جمعه" بود. همچنین محمدحاشمی رئیس سازمان جمهوری اسلامی که از مدتی پیش بدلیل پخش برنامه های غیرمعارف برای جمهوری اسلامی، مورد حمله حزب الله قرار گرفته است، کوشید سیاست های رادیوتلوویزیون را مطابق با شرع و فرامین خمینی و خامنه ای معرفی کند.

ائمه جمعه در پایان گردهمایی خود قطعنامه ای صادر کرده اند و در آن، بار دیگر پیروی خود را از خامنه ای اعلام داشته اند. در این قطعنامه، از "مبارزه با بدحجابی" حمایت شده و ائمه جمعه، این اقدام را "کاری عبادی و الهی" دانسته اند. یک بند دیگر قطعنامه، مربوط به حمایت از دولت رفسنجانی است.

از هفتم تا نهم خرداد ماه در تهران ششمین گردهمایی "ائمه جمعه" سراسر کشور برگزار شد. در نخستین روز این گردهمایی، خامنه ای طی سخنانی، حمایت ائمه جمعه از دولت رفسنجانی را "یک وظیفه و امر واجب" خواند. در روز ۸ خرداد، رفسنجانی در این گردهمایی به سخنرانی پرداخت. وی بخشی از نطق خود را به مسائل اقتصادی اختصاص داد و سیاست اقتصادی دولت خود را در یک جمله خلاصه کرد: "با فروش ارز رقابتی در صدد هستیم نقدینگی را که برای جامعه است جمع کرده و با افزایش تولید کارخانه ها، موفق به مهار تورم شویم." (کیهان ۹ خرداد)

در گردهمایی ائمه جمعه همچنین ولایتی وزیر خارجه نطق کرد. او در سخنانش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را مهمترین محور حل اختلاف میان ایران و عراق دانست و گفت معیار حسن نیت عراق، تعهد به معاهدات بین المللی و قراردادهای میان دو کشور است. ولایتی مدعی شد که "کشیر بخشی از جهان اسلام است". وزیر خارجه جمهوری

می کنیم: فرض آن نیست که منکر هر گونه تاثیر پذیری کشورمان از تحولات جهانی شویم. بالعکس، موج سترگ آزادیخواهی که جهان را در می نوردد، نزد مردم ما هر روز دل ها و مغزهای بیشتری از مسخورد می سازد و عاقبت، در کشور ما نیز استبداد مذهبی را به موزه ها خواهد سپرد. اما این حرکت سترگ، کار مردم ما خواهد بود.

بدین تعبیر، "دوران نوین" را باید با آفوش باز پذیرا شد. این دوران، برای ما نیز امکانات مساعدی در بر دارد، اگر آن را دریابیم...



بوش و گارباجف در کنفرانس مطبوعاتی سوم ژوئن

توافقی ها و بیانیه های مشترک گارباجف و بوش

دریایی میان ایالات متحده و اتحادشوری در شمال اقیانوس آرام، تنگه برینگ و اقیانوس منجمد شمالی.

۱۵ - یک قرارداد کشتی رانی که برای کشتی های تجاری دو کشور دسترسی ساده تر و سریع تر به بنادر آمریکا و شوروی را تأمین می کند.

۱۱ - قراردادی درباره مبادله دانش آموز و دانشجوی که سالانه به هزار نفر از هر کشور امکان تحصیل در مدارس و مدارس عالی کشور دیگری دهد.

۱۲ - توافقی درباره مبادله فرهنگی از طریق گشایش مراکز فرهنگی در مسکو و واشنگتن و نیز توافقی برای توزیع نشریات رسمی دو کشور.

۱۳ - توافقی درباره ایجاد یک پارک طبیعی بین المللی در آلاسکا و سیبری.

۱۴ - تهدید قراردادی درباره پژوهش های مشترک اقیانوس شناسی. این قرارداد در سال ۱۹۷۳ بسته شد و از هنگام ورود نیروهای شوروی به افغانستان در سال ۱۹۷۹ تا کنون، به حالت تعلیق درآمده بود. مدت اعتبار قرارداد مزبور در صورت عدم تجدید در ژوئن ۱۹۹۰ به پایان می رسید.

۱۵ - قراردادی درباره همکاری در استفاده مسالمت آمیز از انرژی اتمی.

۱۶ - قراردادی درباره همکاری گمرکی و در وهله اول با نهایت به مبارزه با قاچاق مواد مخدر.

اما واقعیت آن است که هر چه نفوذ ایالات متحده و اتحادشوری در ایران و بر ایران در چند سال گذشته اندک بود، اینک در "دوران نوین" کمتر هم خواهد شد. البته وابستگی روزافزون اقتصاد ایران به اقتصاد جهانی، و تاثیر پذیری فزاینده افکار عمومی، روحیات و احساسات مردم ما از تحولات جهانی به جای خود باقی است. آنچه در اینجا مدنظر ماست، نفوذ سیاسی معین دو "بر قدرت" سابق بر امور داخلی ایران است. ایران، اکنون نیست و افغانستان هم نیست. ایران، کشوری است دارای استقلال و حاکمیت

مخالفان سیاسی، نهضت آزادی، طلب کنندگان رفاه و آسایش، مردم غیر مذهبی و بسیاری دیگر، همه و همه مأموران جیره و مواجب گیر ایالات متحده اند که کمر همت به نابودی اسلام و مسلمین بسته اند.

شوروی هم دو راه در پیش دارد: یا دھوت خمینی در نامه اش به گارباجف را می پذیرد و به خدا پناه می برد، و یا به جبهه آمریکادر جنگ با اسلام می پیوندد و در اجلاس های مشترک، به اتفاق سران آمریکا تدارک توطئه های خطرناک علیه اسلام را می بیند. که البته این دومی، محتمل تر است.

اینگونه تلقی رژیم آخوندی از "دوران نوین" که آمیخته ای از هوام غربی و جهل است، وقتی از یاران خمینی به گوش برسد، تعجب آور نیست. اما تصویری مشابه، با جهت گیری دیگر، در میان بخشی از مردم ما و برخی نیروهای اپوزیسیون، رایج است. شکست انقلاب ۵۷، زمینه را برای گسترش طرز تلقی معینی از روابط ایران با مسائل جهانی فراهم کرد: سرنوشت ما را دیگران رقم می زنند، هرگونه تلاش مستقل بی فایده است، شاه را هم خارجی ها سرنگون کردند تا ایران پیشرفت نکند، آمریکا و شوروی می نشینند و جهان را تقسیم می کنند، توافق می کنند که آخوندها بمانند تا نمانند... در گذشته، هر بار که سران آمریکا و شوروی ملاقات می کردند، برخی گروه های راست اپوزیسیون، و بویژه طرفداران سلطنت، به آنها نامه می نوشتند که به داد ما هم برسید.

در اجلاس سران آمریکا و شوروی که در واشنگتن برگزار شد، توافق و بیانیه مشترک به امضای جرج بوش و میخائیل گارباجف روسای جمهور دو کشور رسید. خبرگزاری آلمان غربی، شرح خلاصه ای از این توافقی ها و بیانیه ها را منتشر کرده است:

۱ - بیانیه ای با مهمترین نکات قراردادی درباره محو سلاحهای اتمی دور برد (استارت)، که تا پیش از پایان سال جاری میلادی به امضا خواهد رسید. این قرارداد فراگیر، کاهش سلاحهای استراتژیک اتمی به میزان ۳۵ الی ۳۵ درصد را پیش بینی می کند. در برخی هرسه ها، مانند موشکهای سنگین قاره پیما و زمین به زمین شوروی، تعداد سلاحها نصف خواهد شد.

۲ - بیانیه مشترکی درباره اهداف دور دوم مذاکرات استارت پیرامون سیستم های تهاجمی و تدافعی استراتژیک، از جمله درباره ادامه کاهش ها و محدودیت مدرنیزه کردن سلاحهای موجود.

۳ - توافقی درباره کاهش سلاحهای شیمیایی به میزان ۸۰ درصد تا سطح ۵ هزار تن در هر طرف ظرف دوازده سال آینده، که نخستین گام آن، نصف کردن ذخایر موجود تا پایان ۱۹۹۹ و توقف فوری سلاحهای جدید است.

۴ - دو پروتکل درباره کنترل آزمایشهای اتمی زیرزمینی

مصاحبه مطبوعاتی کروبی

در روز سه شنبه ۸ خرداد، مهدی کروبی رئیس مجلس اسلامی در یک کنفرانس مطبوعاتی به سؤالات خبرنگاران داخلی و خارجی در مورد مسائل مختلف پاسخ داد. وی در پاسخ پرسش پیرامون نامه های دولت عراق به ایران گفت: "دو نامه آمده، نامه اول جواب داده شده و دومی هم جواب داده خواهد شد و مجموعاً در این نامه ها، دعوت به صلح جامع شده. اگر طرف مقابل یعنی عراق، حسن نیت نشان بدهد، ممکن است ملاقاتی پیش بیاید (میان رفسنجانی و صدام حسین). اما بهر حال در چهار چوب قطعنامه ۵۹۸ باید مذاکرات صلح به پیش برود. اما من خیلی خوش بین نیستم." کروبی افزود: "نامه دو کشور روی کلیات بوده و روی جزئیات بحث انجام نگرفته. در این نامه ایران فعلاً پیشنهاد کرده که بجای ملاقات روسای دو کشور نمایندگان دو کشور صحبت کنند. اما در مورد قرارداد ۱۹۷۵ چیزی در نامه گنجانده نشده. اما نظر ما این است که باید قرارداد ۱۹۷۵ گنجانده شود."

موضوع دیگر سخنان کروبی، نامه ای بود که اخیراً توسط محتشمی انتشار یافت. این نامه که به امضای خمینی است، بر عدم صدور اجازه فعالیت برای نهضت آزادی تأکید دارد. یک خبرنگار ایتالیایی نظر کروبی را در مورد احتمال جعلی بودن این نامه پرسید، و رئیس مجلس اسلامی گفت: "نامه امام در رابطه با نهضت آزادی اصل نامه امام بوده است ولی اگر نیاز باشد کارشناسی نیز خواهد شد."

اندرباب روئیدن زنان زلف دار

حائری زاده نماینده بیر جند در مجلس اسلامی:

"یکی از بنیادها، یک میلیون کراوات وارد کشور می کند... مستضعفان که کراوات نمی بندند، بنیاد محترم، یک میلیون کراوات را برای چه وارد کرده است؟ مسئول محترم تصور کرده که شاید یک میلیون مرد کراواتی در کنارشان، یک میلیون هم زن باروند و نقاب اسلامی، دوش بدوش حرکت خواهند کرد... امروزه ۱۴ سال بعد از انقلاب در کنار یک میلیون کراوات، ده میلیون زن و دختر زلف دار روئیده خواهد شد."

کیهان - ع خرداد

.. و اندرباب ادب و اخلاق اسلامی ..

همان نماینده، همان جا:

"آیا شایسته است که رسالت به صورت توهم آمیز خطاب به نماینده محترم آذربایجان و رئیس کمیسیون استخدامی مجلس بنویسد که با شیرینی مختصر شب مید و چند جفت جوراب نازک گلدار، چشم خود را بسته ای و فلان جای خود را باز کرده ای؟"

.. و اندرباب آتش بس ..

همان نماینده، همان جا:

"آقایان رسالتی ها، این حرف ها شایسته نیست... شمارا به خدا قسم بس کنید. ما و شما با صدام خائن، آتش بس را پذیرفته ایم و آنوقت با ال سعود خائن الصرمین و قاتل زائران خانه خدا، از آشتی و مذاکره بحث می شود، آیا شایسته نیست، آقایان رسالتی، با ما هم آتش بس بدهید؟"

رفسنجانی:

ملاقات با صدام حسین منوط به ...

بقیه از صفحه اول

از حملات تبلیغاتی قرب به این رژیم، موضع حمایت آمیز کشورهای شرکت کننده در اجلاس بغداد را از جمله در مورد اردوند رود، جلب کند. در قطعنامه کنفرانس سران عرب از ادعای عراق براروند رود جانبداری شده است.

وزارت

جمهوری اسلامی با انتشار بیانیه ای، این موضع اجلاس سران عرب را محکوم کرد. همچنین رفسنجانی در کنفرانس مطبوعاتی خود اظهار داشت نامه های دولت عراق، این امید را نزد

جمهوری اسلامی به وجود آورده بود که دولت عراق با تجدید نظر در مواضع خود، تصمیم جدی به برقراری صلح پایدار گرفته است، اما موضع گیری اجلاس بغداد این امیدها را با تردید همراه کرده است.

به گزارش کیهان ۹ خرداد، میخائیل گارباجف رهبر شوروی در پیامی برای صدام حسین که به مناسبت برگزاری اجلاس سران عرب در بغداد ارسال شد، خاطر نشان کرد: "تعلیر فم پیچیدگی مسائل مورد اختلاف بین ایران و عراق، شوروی اطمینان دارد که کلید حل این مسائل در اجرای عملی مفاد قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل است."

همین گزارش می افزاید گارباجف، مبادله نقطه نظرات میان سران ایران و عراق را نشانه خوبی در جهت حل اختلافات دو کشور خوانده و افزوده است اتحادشوری به تلاش های همه جانبه خود برای موفقیت این تلاش ها ادامه خواهد داد.

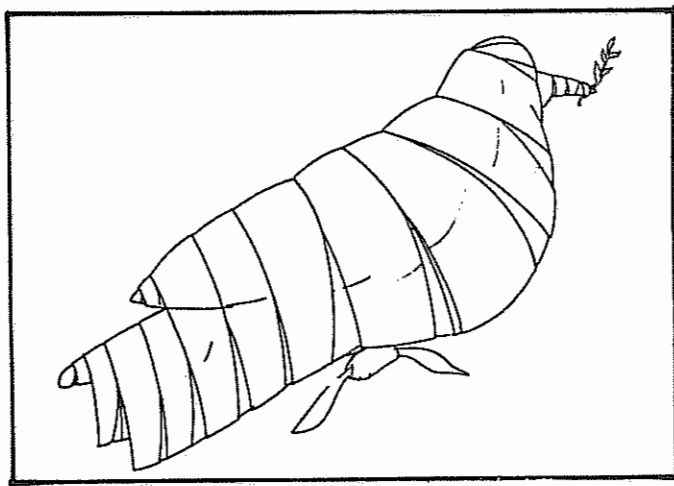
شبی در اقلیم یادها و خاطرها

دگرگونان می‌کند؟ آیا این حقیقت نیست که زمانی که گمش کرده‌ایم چنین پرسشی از خود می‌کنیم؟

بارها از خود پرسیده‌ام: کیستیم؟ چه می‌خواهیم؟ اینجا چکار می‌کنم و چکار می‌توانم بکنم؟ و هر روز در تلاش یافتن پاسخی برای این چراها، زندگیم و آرزوهایم را مرور می‌کنم.

لیکن بخوبی می‌دانم فقط به سرزمینی تعلق دارم که به من، به تک‌تک ما، به "ما" نیاز دارد. همانگونه که "ما" نیز به او.

خاطره
۱۹۹۰/۵/۲۹



آنچه تو کرده‌ای

الیس آئی تی کومی
(Ellis Ayitey Komey)

روزهایی با ملخ‌هایی
برهنه مزایعی که تو ویران کرده‌ای

روزی که اولین قطره باران
خاک رنگ پریده را بارور سازد
بیلچه‌ای در یک دست
گندمی در دست دیگر
می‌دانم که دیگر نمی‌توانی با من بمانی،
و حتی چراغی باشی
بر بام سرزمینی که ویرانش کرده‌ای.
زمانی که به خاطر می‌آورم
چهره‌ی تو را
باشمی در یک دست
و کتابی دست دیگر
وارد کلبه‌ام شوی
می‌دانم که دیگر روزهای سپری شده‌اند،

توضیح

اشتباهات چاپی مقاله "مساله اصلی در سازمان ما..."
متأسفانه در مقاله "مساله اصلی در سازمان ما و در جنبش چپ دمکراتیک" که در شماره گذشته نشریه چاپ شد، اشتباهات تایپی متعددی مشاهده می‌شود که بعضاً به برخی جملات معنای دیگری بخشیده‌اند. اشتباهات مهم در زیر تصحیح می‌شوند.
ص ۵ ستون ۲ زیر سو تیتر "تقد گذشته" پاراگراف ۳ سطر اول: جناح چپ "سنت گرایان" را.
ص ۵ ستون ۳ زیر سو تیتر "پروستریکی ایرانی" سطر ۱۸: نظام شاهی بوروکراتیک.
همانجا، پاراگراف ۲، سطر ۹: چپ تجدیدگرا
همانجا، زیر سو تیتر "تبیین هویت"، پاراگراف ۲، سطر ۵: جریان سوسیال دمکراتیک.
همانجا، پاراگراف ۳، سطر ۱۱: قائل شدن به
ص ۵ ستون ۴، زیر سو تیتر "مساله اصلی سازمان"، سطر ۹: محمل آن بوده است
همانجا، پاراگراف ۴، سطر اول: هر دو موضع
ص ۶ ستون ۱، سطر ۵: به عنوان مارکسیست
همانجا، پاراگراف ۲، سطر ۷: شگفت متعهد کردن است
همانجا، سطر ۸: اگزستانسیالیست
همانجا، پاراگراف ۳، سطر ۲: نگاه امیدوارانه
همانجا، زیر سو تیتر "مساله خط‌مشی سیاسی"، پاراگراف ۴، سطر ۱۵: مذاکره، سطر ۲۲: با چه کسانی، سطر ۳۰: چه کشف هجیبی، سطر ۳۵: به زودی، سطر ۴۴: سطر ۴۴: خواه ناخواه
ص ۶ ستون دوم، زیر سو تیتر "توهمات نو"، پاراگراف ۱، سطر آخر: علامت سوال زاید است
همانجا، پاراگراف ۴، سطر ۲: میزگرد
ستون سوم، سطر ۱: دموکراسی خوبی

شنبه ۱۹ ماه مه مطابق با ۲۹ اردیبهشت به دهوت کتابخانه مرکزی مالمو (سوئد)، محمود دولت‌آبادی شبی را در جمع ایرانیان دور از وطن به قصه‌خوانی و بحث و گفتگو پرداخت. ابتدا بخشی با نام "در اقلیم باد" از اثر جدیدش "روزگار سپری شده مردم سالخورده" را خواند.

رنج تصویر شده خانواده‌ای که از روستایی به مکانی ناشناخته کوچ کرده‌اند، و اجرای بسیار زیبایی دولت‌آبادی که با قدرت بیان و توانایی کم نظیری قصه را به تصویر می‌کشید، از همان آغاز حاضرین در سالن را به فضای آشنا و مالوف میهن کشانید.

برای زمانی محدود، شوق در وطن بودن، باور به باز یافتن مجدد خود در میهن عزیز، و یا دست کم میل به این باور، همگام با تصویرهای زنده از سرگشتگی و رنج، مهدلی در خم و شادی یکدیگر با طنین صدای گرم و دلنشین نویسنده در فضای سالن به حرکت درآمد. بعد از مدت‌ها دوری از وطن شاید اولین بار محیطی چنین صمیمی و زنده با میهن و رنج‌های مردمش ایجاد شده بود. برای لحظه‌ای به خود لرزیدیم، ما که کم‌کم از درک مفهوم "رنج" که در رفاه این جامعه رنگ باخته است بیشتر فاصله می‌گیریم، آیا هر روز که می‌گذرد، با دردها و رنج‌های مردم میهنمان بیگانه نمی‌شویم؟

تصویرهایی که متوالیاً در مقابل چشم‌هایم جان می‌گرفت و جای خود را به دیگری می‌داد بیشتر مرا به گذشته‌های نزدیک در ایران کشید. چگونه می‌توانم فراموش کنم مردم میهنم هر روزه، چه رنج‌هایی را متحمل می‌شوند تا بتوانند سفره خود را با تمهاتی نان خالی پر کنند. و کودکان میهنم چگونه بدور از بازی و خنده‌های شاد کودکی، در میان کوهی از کمبودها و ناملایمات، پیش از وقت بزرگ می‌شوند. و مادرانی که صبورانه رنج می‌برند و پرپر شدن گل آرزوهای خود، برای آینده کودکانشان را، به چشم می‌بینند. و مادرانی را که کودکان بیمارشان از کمبود دارو و غذا در آغوششان می‌گیرند. مگر نه اینکه به چشم خود دیده بودم کودکانی را که به جای مدرسه، هر روز دهانه نیمه تاریک و خوف‌انگیز بازار می‌بلعیدشان و به جای قلم و کاغذ، دستان کوچک و محرومان را در دستمال کوچکی نان پر می‌کرد و چهره‌های معصومان که نشاط کودکی در آن، جای خود را به تیرگی رنجی داده بود، که مزرعه سینه‌اشان را شیاری می‌زد تا بذر خشم بکارند. و مردانی که رنج کار روزانه و حقارت ناچیزی دستمزد، پشتشان را خم کرده و پیری زودرس چروک‌های همیتی در چهره‌شان نقش زده است. مگر نه اینکه هنوز در جنوب گرم مردانی که سپیدی مویشان

در صورت اعطای تابعیت آلمانی، این امر شامل همسر و فرزندان صغیر تبعه خارجی نیز خواهد شد.

قانون اتباع خارجی آلمان فدرال، مشتمل بر ۱۵ ماده است. همراه با تصویب این قانون، تغییراتی نیز در قانون رسیدگی به تقاضای پناهندگی داده شده است. مدت اعتبار قوانین جدید، از آغاز سال آینده است.

نکاتی از قانون جدید اتباع خارجی در آلمان فدرال

۲ - احتمالاً در تضاد با منافع سیاسی خارجی یا تعهدات حقوقی بین‌المللی جمهوری فدرال آلمان قرار گیرد.

۳ - بر خلاف نظام حقوقی جمهوری فدرال آلمان، به ویژه از طریق کاربرد قهر، باشد یا

۴ - هدف آن، حمایت از احزاب و سایر تشکلهای، نهادهای یا تشکلهایی در خارج از قلمرو آلمان فدرال باشد که اهداف یا وسایل آنها با ارزشهای اساسی یک نظام دولتی احترام گذارنده به حرمت انسان، منافات دارد.

(۲) فعالیت سیاسی یک تبعه خارجی ممنوع می‌شود اگر این فعالیت:

۱ - نظام مبتنی بر آزادی و دمکراسی یا امنیت جمهوری فدرال آلمان را به خطر افکند یا مقایسه با معیارهای مدون حقوق بین‌الملل باشد،

۲ - از اعمال قهر به مثابه ابزار تحقق اهداف سیاسی، مذهبی یا نظیر آن علناً حمایت یا جانبداری کند یا بتواند به آن دامن زند، یا

۳ - از جمعیت‌ها، جنبش‌های سیاسی یا گروه‌هایی در داخل یا خارج از قلمرو و آلمان فدرال حمایت کند که در قلمرو آلمان فدرال، تعرض به افراد یا اشیا یا در خارج از قلمرو آلمان فدرال تعرض به اتباع آلمانی یا موسسات آلمانی را سازمان داده یا از آن حمایت کرده یا بدان تهدید کرده باشند.

ماده ۴۵ مقرر می‌دارد که یک تبعه خارجی می‌تواند به دلیل به خطر افکندن منافع آلمان فدرال اخراج شود. جرایم سنگین کیفری، مانند قاچاق مواد مخدر، بی‌خانمانی و استفاده از کمک هزینه اجتماعی، سایر دلایل کافی برای اخراجند. این دلایل (به غیر از به خطر افتادن امنیت کشور) شامل پناهندگان سیاسی و دارندگان حق اقامت یا اجازه اقامت نامحدود نمی‌شود.

در مواد ۷۳ و ۷۴ قانون، تأکید شده است که شرکت‌های حمل و نقل موظفند داشتن گذرنامه و ویزای معتبر مسافران خارجی خود به مقصد آلمان فدرال را کنترل کنند.

در صورت عدم صدور اجازه ورود فرد به آلمان فدرال، شرکت مزبور موظف به برگرداندن فرد است.

ماده ۸۵ مقرر می‌دارد که اگر یک تبعه خارجی پس از اتمام ۱۶ سالگی و پیش از اتمام ۲۳ سالگی خود، تابعیت آلمان را تقاضا کند، یا شرایط زیر با تقاضای او موافقت می‌شود:

۱ - ترک تابعیت قبلی.

۲ - حداقل ۸ سال اقامت قانونی در آلمان فدرال.

۳ - گذراندن ۶ سال در یک مدرسه در آلمان که حداقل ۴ سال آن باید در یک مدرسه تعلیمات عمومی (دبستان یا دبیرستان یا هنرستان) باشد.

۴ - عدم محکومیت کیفری.

برای اتباع خارجی با ۱۵ سال اقامت قانونی، تسهیلات کسب تابعیت آلمان با شرایط زیر اجرا می‌شود:

۱ - تسلیم تقاضای تابعیت پیش از ۳۱ دسامبر ۱۹۹۵

۲ - ترک تابعیت قبلی

۳ - عدم محکومیت کیفری

۴ - توانایی تأمین مخارج زندگی خود و خانواده بدون استفاده از کمک هزینه اجتماعی و حق بیکاری.

برای اتباع خارجی با ۱۵ سال اقامت قانونی، تسهیلات کسب تابعیت آلمان با شرایط زیر اجرا می‌شود:

۱ - تسلیم تقاضای تابعیت پیش از ۳۱ دسامبر ۱۹۹۵

۲ - ترک تابعیت قبلی

۳ - عدم محکومیت کیفری

۴ - توانایی تأمین مخارج زندگی خود و خانواده بدون استفاده از کمک هزینه اجتماعی و حق بیکاری.

ورود به آلمان فدرال است، و یا در صورت استفاده تبعه خارجی یا فردی که وی موظف به پرداخت مقرر به اوست، از کمک هزینه اجتماعی دولتی، اجازه اقامت صادر نخواهد شد.

همسران پناهندگان سیاسی و کسانی که "حق اقامت" دارند، می‌توانند بدون هیچگونه محدودیتی ویزای ورود و اجازه اقامت دریافت دارند. اما همسر یک تبعه خارجی که تنها دارای "اجازه اقامت" باشد، تنها در صورتی از تسهیلات قانون برای پیوستن به همسرش استفاده می‌کند که قبل از ورود همسرش به آلمان فدرال با او ازدواج کرده باشد و این ازدواج، در نخستین تقاضای اقامت همسرش ذکر شده باشد.

طبق ماده ۲۴، اجازه اقامت نامحدود در صورت تحقق شرایط زیر صادر خواهد شد:

۱ - داشتن اجازه اقامت از پنج سال قبل

۲ - داشتن اجازه کار ویزه (اجازه کار هم و فیروابسته به یک کارفرمای معین) در صورت شافل بودن فرد

۳ - داشتن سایر جوازهای لازم برای کار خود (مانند اجازه اداره بهداشت برای کسانی که در رشته مواد غذایی کار می‌کنند).

۴ - توانایی تکلم به زبان آلمانی.

۵ - داشتن فضای کافی سکونت برای خود و اعضای خانواده‌اش.

۶ - عدم وجود دلیلی برای اخراج.

ماده ۲۷ مقرر می‌دارد که "حق اقامت" شامل اتباع خارجی است که علاوه بر شرایط ۲ تا ۶، شرایط زیر را دارا باشند:

۱ - داشتن هشت سال اجازه اقامت یا سه سال اجازه اقامت نامحدود.

۲ - عدم استفاده از کمک‌های دولتی برای گذران زندگی.

۳ - پرداخت مقرری‌های اجباری به صندوق بازنشستگی به مدت ۶ ماه.

۴ - عدم محکومیت به زندان بیش از ۶ ماه در طول سه سال قبل از تقاضا پناهندگان سیاسی "حق اقامت" را پس از پنج سال اقامت دریافت می‌دارند. در محاسبه دوره‌های زمانی نامبرده در این قانون، طول مدت محکومیت زندان به حساب نمی‌آید.

ماده ۳۷ مربوط به فعالیت سیاسی اتباع خارجی در آلمان فدرال است. در این ماده آمده است:

"(۱) اتباع خارجی مجازند در چارچوب مقررات قانونی هم، فعالیت سیاسی داشته باشند.

می‌توانند محدود یا ممنوع شود اگر این فعالیت:

۱ - اعمال اداره سیاسی در جمهوری فدرال آلمان یا همزیستی مسالمت‌آمیز آلمانی‌ها و اتباع خارجی یا گروه‌های مختلف اتباع خارجی در قلمرو آلمان فدرال، امنیت و نظم عمومی یا سایر منافع مهم جمهوری فدرال آلمان را خدشه دار کند یا به خطر افکند.

چند هفته پیش، قانون جدید اتباع خارجی از سوی مجلس فدرال و مجلس نمایندگان ایالات آلمان فدرال مورد تصویب قرار گرفت. این قانون که در بسیاری هرصه‌ها، ورود و اقامت اتباع خارجی را در آلمان فدرال دشوار می‌کند، با اعتراض گسترده محافل دمکراتیک و شهروندان خارجی مقیم آلمان فدرال روبرو شد. در این شماره، نکاتی از قانون مزبور را درج می‌کنیم.

در قانون جدید، آمده است: "اتباع خارجی برای ورود و اقامت در قلمرو آلمان فدرال باید اجازه اقامت داشته باشند." از این ماده تنها کسانی مستثنی شده‌اند که قوانین مشترک جامعه اروپا مقررات دیگری برای آنها وضع کرده باشد. تصمیم ضروری بودن اجازه اقامت، به معنای این است که معافیت افراد زیر ۱۶ سال از این مقررات، لغو می‌شود. وقتی از اول ژانویه ۱۹۹۱ قانون جدید به اجرا گذاشته شود، کودکان و نوجوانان خارجی زیر ۱۶ سال نیز برای ورود به آلمان فدرال و اقامت در این کشور باید قبل از ورود، اجازه اقامت داشته باشند.

ماده ۷ قانون، مقرر می‌دارد که در موارد زیر، نباید اجازه اقامت برای اتباع خارجی صادر شود:

۱ - وجود دلیلی برای اخراج فرد

۲ - عدم توانایی مالی برای تأمین مخارج اقامت

۳ - به خطر افتادن منافع دولت آلمان فدرال

۴ - ورود به آلمان فدرال ویزای ویزایی که بدون کسب تکلیف از اداره اتباع خارجی مربوطه صادر شده باشد (مانند ویزای توریستی)

۶ - نداشتن گذرنامه

۷ - عدم مشخص بودن هویت تبعه خارجی

طبق ماده ۱۱، کماکان برای افرادی که تقاضای پناهندگی سیاسی کرده‌اند، تا هنگام تعیین تکلیف نهایی، اجازه اقامت صادر خواهد شد.

مقررات قانون جدید برای پیوستن اعضای خانواده یک تبعه خارجی به او در آلمان فدرال، از مهمترین نکات این قانون محسوب می‌شود. اجازه اقامت برای همسر و فرزندان صغیر یک تبعه خارجی مقیم آلمان فدرال، زمانی صادر می‌شود که:

۱ - تبعه خارجی دارای اجازه اقامت باشد

۲ - فضای کافی برای سکونت عضو خانواده موجود باشد

۳ - مخارج اقامت عضو خانواده از سوی تبعه خارجی تأمین گردد

همسر و فرزندان صغیر پناهندگان سیاسی از این محدودیت‌ها مستثنی هستند. قانون اتباع خارجی، "تقاضای کافی برای سکونت" را مطابق استاندارد منازل مسکونی اجاره‌ای که با سوبسید دولتی ساخته شده‌اند، تعریف کرده است. علیرغم امکان صدور اجازه اقامت برای خانواده‌ای با شرایط بالا، در بندهای ماده ۱۷ آمده است که در صورت وجود دلیلی برای اخراج عضو خانواده که مایل به

جنبش جهانی کمونیستی در جستجوی راه برای خروج از بحران

الف. حکیمی

قبل از ورود به بحث اجازه بدهید که به چند خبر اشاره کنم: از نیکوزیا خبر می‌رسد که مبارزه آیدولوژیک - سیاسی حادی درون حزب ترقیخواه زحماتکشان خلق قبرس (اکل) در جریان است. جناح اصلاح طلبان تقاضای برگزاری کنگره فوق‌العاده و در واقع کنگره موسسان حزبی نوین را دارد، حزبی دموکراتیک، نهضتی ترقیخواه با سمبلیسم سوسیالیستی که تنوع اندیشه را به رسمیت بشناسد. براساس همین خبر نخستین حمله اصلاح طلبان با شکست مواجه شده است.

در سانتیاگو اطلاعاتی با امضا بخشی از رهبری و فعالین حزب کمونیست شیلی منتشر شده که در آن، رهبری کنونی به کاربست متدهای ضد دموکراتیک، استالینی و دگماتیسم متهم شده است. در همین اطلاعیه که خبر از انشعاب نیز می‌دهد، فراخوان برای کنگره فوق‌العاده و تشکیل یک حزب نوین نیز وجود دارد.

حزب کمونیست دانمارک اعلام کرده که گروهی کمونیست ارتدکس (استالینیست) تلاش دارد حزب را به سمت راست سوق دهد و هم اکنون نیز درون حزب سازمانی به نام "مجمع کمونیستی" بوجود آورده. رهبری ح. ک. مسئله اخراج این گروه بندی را به زودی بررسی خواهد کرد.

در چند روز آتی، حزب کمونیست (چپ) سوئد ۲۹مین کنگره‌اش را برگزار خواهد کرد. برنامه نوین و حذف نام کمونیست از عنوان حزب از جدی‌ترین مسائل کنگره قریب الوقوع است.

اوضاع در جنبش چپ و میان کمونیست‌های ایران هم که به قدر کافی معروف حضورتان هست. با این ترتیب بحران در هر کشور، شکل و قیافه خاص خود را دارد، لکن مضمون واحد است. جنبش جهانی کمونیستی دچار بحران همیتی است. تحولات در اتحاد شوروی پس از آوریل ۱۹۸۵ و زمین لرزه‌های سهمگین سال پیش در اروپای شرقی تأثیر بلاواسطه بر احزاب کمونیست در سراسر جهان برجای نهاده است. در سال‌های اخیر احزاب کمونیست غیرحاکم (از برخی استثناها اگر بگذریم) در مجموع سازمان‌های نیمه سکتاریستی بودند که تأثیر جدی و قابل ملاحظه‌ای در زندگی روزمره جامعه خویش نداشتند. با حوادث و زمین لرزه‌های چند سال گذشته، منظره جنبش کمونیستی جهانی را می‌توان با مبارزه حاد درونی، انشعاب‌ها، جدائی‌ها و شکستن‌ها، افت بازهم بیشتر انوریته سیاسی و تنگ تر شدن پایگاه نهضت کمونیستی تصویر کرد.

برای آنکه بفهمیم چه رخ داده و برای آنکه فروپاشی امروزین نهضت کمونیستی را بررسی کنیم، باید از دهه آخر قرن بیستم به سال‌های آغاز قرن بازگشت کنیم، سالهایی که این احزاب پای به هرصه وجود نهاده‌اند.

این سال‌ها، مقارن با دوره رمانتیک و انقلابی پس از پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ بود. دوره‌ای که کمیتز آن را چنین تصویر کرد: دوران امپریالیسم، دوران احتضار سرمایه‌داری است. جنگ ۱۹۱۴-۱۹۱۸ ناشی از همین وضع یعنی تضاد حاد میان رشد نیروهای مولد در اقتصاد جهانی با پوسته دولتی و روبروئی ناهمخوان با آن است. تضاد میان دولت‌های سرمایه‌داری از چنان شدتی برخوردار شده که جنگ امپریالیستی را گریز ناپذیر می‌کند. جدار و پوسته سرمایه‌داری، زنجیری است بر پای رشد بشریت. جنگ آتی امپریالیستی و تکان‌های ناشی از آن، تمامی سیستم روابط حاکم را تکان خواهد داد. ضرورتی آهین از گریز ناپذیری انقلاب جهانی پرولتاریا بوجود آمده است.

بلشویک‌ها و لنینیست‌های شرکت کننده و شاهد انقلاب اکتبر، جهان و ادامه کارش را چنین می‌دیدند و به اتکالی برخورد ناصحیح احزاب سوسیالیست در جنگ اول جهانی، خود را جناح انقلابی نهضت کارگری می‌شمردند.

اما جهانی که اعضای کمیتز آن می‌دیدند، بویژه در سال‌های پس از جنگ دوم دچار تحول شد و این تحولات به واقع اساسی هم بودند. آهنگ و خصلت این تحول در واقعیات جهان به شکلی جدی بر امکان انطباق احزاب کمونیست و ایجاد تغییرات متناسب با اوضاع در آیدولوژی و سیاست‌هایشان پیشی گرفت. فاصله میان آنچه در هستی واقعی صورت می‌گرفت و

میان نیازهای مردم با شعارها و برنامه‌ها و تفاسیر احزاب کمونیست، دمدم افزایش می‌یافت. همین امر مهم‌ترین عامل تضعیف مداوم احزاب کمونیست شد و پدیده‌های بحرانی را در آنان شکل داد. سرمایه‌داری پس از ۱۹۱۷ و به ویژه بعد از جنگ دوم جهانی تغییرات شگرفی را از سر می‌گذراند. این تغییرات عرصه مسائل زیر بنایی از علم و فن و تکنیک تا شیوه‌های مدیریت و مسائل تأمین اجتماعی و رشد سازمان‌های توده‌ای و غیره را شامل می‌شد. نیازها، منافع، روانشناسی و حتی ساختار اجتماعی طبقات مختلف و در درجه نخست طبقه کارگر در این کشورها، جداگانه‌گون شد. اما با دریغ باید گفت که احزاب کمونیست (بویژه در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته) نتوانستند ارزیابی صحیحی از این تحولات به دست دهند و بر همان فرمول‌های کهنه پای فشردند. عدم موفقیت ساختار سوسیالیسم در اتحاد شوروی و سایر کشورهای اروپای شرقی نیز رفته رفته بر اوضاع جنبش جهانی کمونیستی تأثیر گذاشت. در این جوامع، مدلی که بتواند نمونه و الگوی جذابی باشد، بوجود نیامد. "کمونیسم سربازخانه‌ای" که تاریخی مشحون از جنایات و خطاهای مهلک است، جذابیتی نداشت.

علیرقم همه این احوال، "احزاب برادر" باید طبق قاعده به دفاع از این کشورها ادامه می‌دادند، در نتیجه نزد افکار عمومی کشورهایشان به احزاب طرفدار مسکو و فاقد استقلال ایده‌ای تبدیل شدند. به این ترتیب جدا از مسائل خاص هر حزب در هر کشور معین، دلایل عمومی بحران را به ترتیب زیر می‌توان خلاصه کرد: ۱- بی توجهی به تحولات سرمایه‌داری و امکانات آن برای انطباق با شرایط حال تحول. ۲- عقیم ماندن تجربه ساختمان سوسیالیسم که به شکلی جدائی ناپذیر به انقلاب اکتبر پیوند می‌خورد. ۳- همونی چند دهه ساله حزب کمونیست اتحاد شوروی در جنبش کمونیستی جهانی که توسط استالین پایه ریزی شد و دیگران ادامه‌اش دادند. این همونیسم هر اندیشه زنده‌ای را کشت، احزاب کمونیست را خلع سلاح کرد و آنها را در مقابل هر تحول نوین و زیگزاگ تاریخ ناتوان نمود.

اما در همین حال باید اشاره کرد که در این سال‌ها ای بسا هزاران هزار کمونیستی که نتوانستند راه و روش‌های استالینی تا بهار پراگ و یا حضور نظامی در افغانستان را تحمل کنند و از احزاب خویش بیرون زدند. میان آنها انسان‌های بسیار پاک و شریفی بودند که نمی‌خواستند با ماندن در احزاب کمونیست، در هر جنایتی که به نام "سوسیالیسم و اتمام موجود" می‌شود شریک باشند. من گمان می‌کنم که تاریخ نهضت چپ ایران نیز در این زمینه تجارب تلخی دارد و ضرور است که در این مورد دست کم به خلیل ملکی، عبدالرحمن قاسملو و منوچهر هلیل رودی اشاره شود که برخوردی فوق‌العاده سخیف و حتی ضدبشری را به "جرم" دفاع‌شان از حقیقت تحمل کردند.

همه اینک در سراسر جهان، کمونیست‌های کشورهای مختلف به اشکال و درجات گوناگون در حال ارزیابی مجدد ارزش‌های گذشته و طرح‌ریزی برای کار آینده هستند. تعقیب این تحولات و در جریان تجارب احزاب مختلف قرار گرفتن برای جنبش چپ ایران نیز (که خود دوره‌ای توانایی از دگرگونی را از سر می‌گذراند) بسیار آموزنده است. دبیر کل حزب کار سوسیالیست، ژ. اشیلمان نقطه نظرهای خویش را چنین بیان می‌کند: بحران کنونی اتوریته سوسیالیسم، بحران دگماتیسم است. لکن مارکسیسم به حیات خویش ادامه می‌دهد. امر اکتبر ادامه دارد و اندیشه سوسیالیستی به تدریج در حال نضح یافتن است. واقعیت آن است که مشکلات جدی وجود دارد. ما باید در مقابل مسئله چکسلواکی، افغانستان و صدهای طولیل جلوی مبارزه‌های شوروی تاوان بپردازیم. در همین حال خودمان هم خطاهایی داشته‌ایم که در حال نقد و بررسی‌شان هستیم. لکن حزب ما ضرورتی به دگرگون سازی رادیکال در خود احساس نمی‌کند.

کمونیست‌های فنلاند در ماه‌های گذشته تلاش برای تشکیل اتحاد چپ وسیع در کشورشان را آغاز کرده‌اند. بیش از ۴ هزار نماینده از ۲ جریان اصلی

انشعابی کمونیست و نیز دیگر نیروهای دموکرات و چپ‌های رادیکال ماه پیش در هلسنکی دور هم جمع شدند. برنامه این اتحاد چپ چنین بود: "سیاست سرخ در راه آینده‌ای عادلانه و سبز". آخرین اطلاعات حاکی از آن است که پیشرفت این اتحاد با دشواری روبرو شده است. اما همین نخستین گام‌ها برای وحدت تمامی نیروهای چپ در یک سازمان واحد، خود تلاشی ارزشمند بوده است.

۱۳مین کنگره (فوق‌العاده) حزب کمونیست پرتغال، در ۲۰ ماه مه سال جاری - و با قیافه‌ای نه چندان همخوان با تحولات اخیر - پایان یافت. آلو و کوئیل، دبیر کل حزب - که در مقام خود ایتا شد - در گزارش به کنگره گفت: پیروزی پرسترویکا در اتحاد شوروی نه تنها به نیازهای مردم شوروی، بلکه به مسائل زحمتکشان سراسر جهان پاسخ داده و به ایده‌آل کمونیستی، تحرک تازه‌ای بخشیده است. ما از پرسترویکا حمایت می‌کنیم زیرا که نوسازی سوسیالیسم را هدف خود قرار داده، لکن اگر به شکست سوسیالیسم منجر شود، ما با آن همراه نخواهیم بود. واقعیت آن است که شکست پرسترویکا در برخی از کشورهای اروپای شرقی، باعث به قدرت رسیدن نیروهای ضد سوسیالیستی شد. این امر ممکن است که به احیا سلطه جهانی امپریالیسم منجر شود موازنه جهانی را برهم زند و زیان‌های جدی برای مبارزه رهای بخش زحمتکشان

میخائیل گارباچف رئیس جمهور شوروی در روز سه شنبه ۱۲ ژوئن با رهبران سه جمهوری لتونی، استونی و لیتوانی دیدار کرد. این، نخستین ملاقات دو طرف پس از اعلام غیر قانونی بودن حرکات استقلال طلبانه این سه جمهوری شوروی از سوی گارباچف بود.

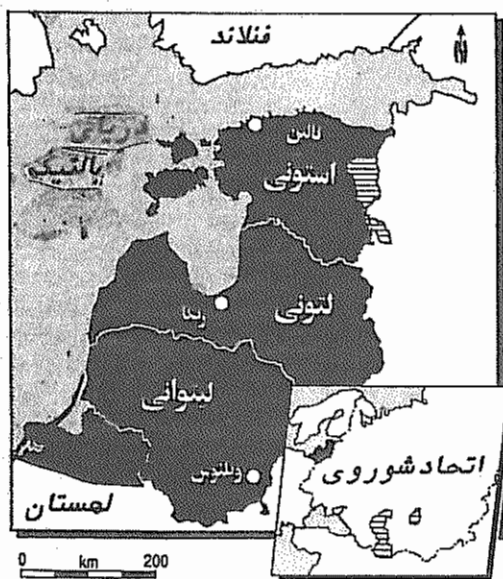
تلویزیون شوروی گزارش داد در ملاقات روز سه شنبه، "تبادل نظر درباره وضع روابط میانی خلقها" صورت گرفته است. این گزارش، به جزئیات مذاکرات اشاره‌ای نکرد.

ملاقات هفته گذشته، مرحله جدیدی از تلاشهای سیاسی برای پایان دادن به بحرانی است که از هنگام اعلام استقلال لیتوانی در ۱۱ مارس آغاز شد. لتونی و استونی نیز خواهان استقلال شده و برای رسیدن به این هدف، دوره گذاری تعیین کرده‌اند.

ویتاوتاس لاندس برگیس، رئیس جمهور لیتوانی پیش از دیدار با گارباچف در مورد نتایج ملاقات ابراز خوشبینی کرد. وی هنگام ورود ایتا لیتوانی به مسکو گفت: "گفتگوی سازنده‌ای در پیش است". لاندس برگیس پیش از ملاقات با گارباچف، دیدار مشترکی با آنتالویس گاربونوف، رئیس جمهور لتونی و آرنولد روتل، رئیس جمهور استونی داشت.

میخائیل گارباچف هنگام ارائه گزارش دیدار خود با جرج بوش به شورای عالی شوروی، نامی از مذاکرات با رهبران جمهوری‌های بالتیک نبرد. وی تنها تأکید کرد که در جریان ملاقات واشنگتن، برخی از سیاستمداران آمریکائی با تصویب قرارداد تجاری شوروی و آمریکا در سنای ایالات متحده "تأهنگامی که مسکو به گروه جدائی طلبان لیتوانی استقلال

دیدار گارباچف و رهبران جمهوری‌های بالتیک



نداده است"، مخالفت کرده‌اند. رئیس جمهور شوروی گفت این موضع کل ایالات متحده نیست. به گزارش تلویزیون شوروی، گارباچف همچنین دیداری با روسای ۱۵ جمهوری داشت. وی در این نشست اظهار داشت زمان نوسازی نظام فدراتیو اتحاد شوروی فرا رسیده است. در نشست مزبور، از جمله روسای جمهور سه جمهوری بالتیک و نیز باریس یلتسین، رئیس جمهور روسیه شرکت داشتند.

اندونزی در سال ۱۹۶۵: سفارت آمریکا در جاکارتا تالیست

۵۰۰۰ نفر از کمونیست‌ها را برای قتل عام به نظامیان تحویل داد

داده میشد که چه کسی دستگیر و اعدام شده، طوری که ما با مقایسه اعدامیان و لیست خودمان در پایان ژانویه ۱۹۶۶ به این نتیجه رسیدیم که رهبری حزب کمونیست دیگر کاملاً از بین رفته است.

بنابراین نظر روبرت مارتنز، که تحت نظرویی این لیست تهیه شده بود، حزب کمونیست اندونزی تاکنون نتوانسته است از این حربه کمر راست کند.

سازمان سیا تعداد کسانی را که در کودتای ۱۹۶۵ توسط نظامیان قتل‌عام شدند ۲۵۰۰۰۰ اعلام کرد که بیشتر آنان کمونیست‌ها بودند و آن را بزرگترین قتل‌عام قرن بیستم نامید.

واشنگتن پست اما بر این نظر است که تعداد کشته‌شدگان ۱۹۶۵ حدود نیم میلیون بوده است.

"کشتار این افراد هیچکدام از ما را ناراحت نمی‌کرد، چون آنها کمونیست بودند." سفیر وقت آمریکا در اندونزی مارشال گرین، موضوع تحویل لیست را تأیید کرد. وی گفت: اطلاعات ما در باره حزب کمونیست اندونزی از خود اندونزی‌ها بیشتر بود. ما اطلاعاتی دقیق در باره تشکیل گروه مخصوص برای اعدام کمونیست‌ها در ارتش اندونزی داشتیم.

لیست‌های اسامی از طریق سفارت به اشخاصی بنام‌های تیرنا کنتانا و آدام مالیک که بعداً در وزارت امور خارجه مشغول کار شدند داده میشد و از طریق آنان به مرکز فرماندهی سوهارتو - تیرنا کنتانا این خبر واشنگتن پست را در جاکارتا تأیید کرد. در این رابطه معاون وقت "سیا" جوزف لاسارسکی در مصاحبه خود اظهار نمود:

بعد از هر دستگیری و اعدام از طرف نظامیان، به سفارت خبر

سفارت آمریکا در جاکارتا لیست ۵۰۰۰ نفر از کمونیست‌ها را برای قتل‌عام به نظامیان تحویل داد. واشنگتن پست با استناد به مصاحبه‌های افرادی که مستقیم در این "اکسیون" شرکت داشتند بعد از ۲۵ سال دست به افشاء این جنایت می‌زند. تحت سرپرستی روبرت مارتنز، مسئول آن موقع بخش سیاسی سفارت آمریکا در اندونزی از سال ۱۹۶۳، لیستی از ساختمان تشکیلات حزب کمونیست اندونزی تهیه شده بود.

در زمان کودتا و چندین ماه بعد از آن نام ۵۰۰۰ نفر به نظامیان داده شد. روبرت مارتنز در مصاحبه با واشنگتن پست گفت: "دست‌های من به خونهای زیادی آغشته است"

هاوارد فدراشپیل متخصص امور اندونزی در وزارت خارجه در سال‌های ۱۹۶۵ در مصاحبه با واشنگتن پست اظهار نمود.

آفریقای جنوبی: لغو حکومت نظامی

بقيه از صحنه آخر

«بسیار بیش از ۵۰ هزار» تخمین می‌زند. مقررات حکومت نظامی، به هر فرد پلیس، حتی مأمور انتظامات راه آهن، اجازه می‌داد هر فرد را بدون حکم بازداشت، دستگیر کند. پلیس می‌توانست زندانی را بدون حکم بازپرس تا ۳۰ روز در بازداشت نگه دارد. این محدودیت نیز بایک بخشنامه ساده «وزیر قانون و نظم» لغو شده بود و برای پلیس امکان زندانی کردن نامحدود افراد وجود داشت. در همان دو سال نخست حکومت نظامی، ۱۶ هزار نفر بیش از ۳۰ روز در بازداشت به سر بردند.

بازداشت های خودسرانه تنها بخش کوچکی از اختیارات گسترش یافته پلیس بود. در حکومت نظامی، پلیس علاوه بر این می‌توانست خانه‌ها را بدون حکم بازرسی، تفتیش کند، مقررات منع عبور و مرور برقرار سازد و مناطقی را «مناطق ناآرام» اعلام و ورود افراد بیگانه را به آن ممنوع کند. فرمان‌های مختلف، بر شدت مقررات حکومت نظامی می‌افزود. به عنوان نمونه، کوساوا اتحادیه کارگری آفریقای جنوبی اجازه نداشت سرمایه‌داران خارجی را به تحریم آفریقای جنوبی فراخواند. برای برخی گروه‌های دیگر اپوزیسیون، هرگونه فعالیت ممنوع بود، از جمله برای سازمان‌های کمک به زندانیان.

جمهور وقت برقرار شد. این مقررات به نیروهای امنیتی در تفتیش و بازداشت‌ها اختیارات وسیعی می‌داد. در چارچوب این مقررات پلیس می‌توانست افراد را بدون حکم بازپرس در بازداشت نگه دارد. امکان ممنوع کردن فعالیت سیاسی، ممانعت از انتشار نشریات و محدود کردن آزادی بیان وجود داشت. در مقابل، پلیس از تعقیب کیفری مصون بود و عملاً در فضایی بی‌قانون عمل می‌کرد.

نلسون ماندلا رهبر اکثریت سیاهپوست آفریقای جنوبی گفت از لغو حکومت نظامی «بسیار خوشوقت است». اما افزود تصمیم دولت پرتوریا «در اساس هیچ تغییری در مسئله نخواهد داد». ماندلا در حاشیه مذاکراتش با فرانسوایتان رئیس‌جمهور فرانسه در روز پنجشنبه در پاریس، پایان مقررات فوق‌العاده را یک پیروزی مردم کشورش خواند. وی گفت: «این چیزی بود که ما از هنگام برقراری مقررات فوق‌العاده برای آن مبارزه کردیم... اما این اقدام، موضع مرا تغییر نخواهد داد.» ماندلا



پکن يك سال پس از تراژدی تین - آن - مین

دچار تفرقه باشد، در مواقع بحران همواره صدای خود را یکی می‌کند، این روزها بطور چشمگیری باز به اثبات رسید. به گفته دیپلمات‌ها و سیاستمداران غربی، تا همین چند هفته پیش در حزب کمونیست بحث‌های شدیدی در مورد اینکه وقایع ژوئن سال گذشته را چگونه باید ارزیابی کرد و چه کسی باید مسئولیت آن را بپذیرد، جریان داشت. در نطقی که ژیانگ ژینگ، دبیر کل حزب، به منظور آشتی دوباره با روشنفکران کشور تدارک دیده بود، خاطر نشان می‌شد که مسئولیت اصلی این رویدادها بر عهده حزب کمونیست است.

اما به نظر می‌رسد از این بحث‌ها درس گرفته نشده است. از همینجاست که در آخر هفته گذشته در پکن حاکم بود، چنین بر می‌آید که چین، ۳۶۵ روز به عقب بازگشته است. از هر گزارش تلویزیونی که شبکه خبری آمریکایی سی-ان-ان در مورد چین بخش می‌کرد، در پکن چیزی جز برفک باقی نمی‌ماند. در نخستین ساعات عصر یکشنبه، ۱۵ پلیس، چهار روزنامه‌نگار غربی را که در جوار دروازه ورودی شهر ممنوعه سابق پکن در ضلع شمالی تین-آن-من گرد آمده بودند، به سختی مورد ضرب و شتم قرار دادند. یازده روزنامه‌نگار آمریکایی در محوطه دانشگاه بی-دا هنگام تهیه گزارش با ممانعت مأموران مسلح روبرو شدند. این ظن که تنها منتقدان رژیم که هنوز فعال هستند، یعنی هودجیان، زودو و گائو شین، بازداشت شده‌اند، تقویت گردید.

شده در ۱۲ ژوئن ۱۹۸۶، آفریقای جنوبی را موج بی سابقه‌ای از دستگیری‌ها فراگرفت. جمعیت حقوق بشر ژوهانسبورگ، تعداد افراد دستگیر شده از این تاریخ را چیزی هستیم.

سوشیان از ژوئن سال گذشته تاکنون به سفارت ایالات متحده در پکن پناهنده شده‌اند تا از دستگیری در امان بمانند. اینک به نظر می‌رسد آنها به زودی خواهند توانست از کشور خارج شوند.

بادکنک‌های بزرگی باین شعارها به پرواز در آمدند: «زنده باد حزب کمونیست». در روزهای بعد، میدانی که در تابستان گذشته میلیون‌ها نفر در آن برای دموکراسی تظاهرات می‌کردند، به میدان تحریر ترافیک تبدیل شد. لیموزین‌های دولتی و اتوبوس‌ها به میدان آورده شدند تا آن‌گونه که رسماً اعلام شد، دست به «تمرین‌های امنیتی برای بازی‌های آسیائی» در پائیز بزنند.

رهنمودهایی که از سوی حزب در گروه‌های کار منتشر شد، صراحت بسیار بیشتری داشت. در این رهنمودها آمده است: «از ۳۱ مه تا ۱۷ ژوئن، میدان تین-آن-من و همه نقاط حساس شهر منطقه ممنوعه است». هر کس باین حال به خود جرات می‌داد به این نقاط برود، می‌بایست تفتیش دقیق بدنی را از سر می‌گذراند. یک زن جوان چینی که شامگاه یکشنبه به خود جرات داده بود با چند روزنامه‌نگار در یک اتوبوس دیده شد، مورد خطاب مأموران قرار گرفت: «الان دیگر در خیابان چه می‌کنی؟» به مدت چندین ساعت، در راه پندان‌هایی که ایجاد کرده بودند، افرادی را که به شیراز کارت محل کار که معمولاً کفایت می‌کند، گواهی هویت دیگری نداشتند، متوقف می‌کردند. اقلب به نظر می‌رسید تنها هدف این تدابیر، نمایش برتری، قدرت و تسلط و قبل از همه ارباب بود.

ارزیابی رهبری چین درباره سالگرد چهارم ژوئن در یک تفسیر روزنامه «مردم» (ژن مین ژیبائو) ارگان حزب کمونیست بازتاب یافت. این روزنامه تحت عنوان «ثبات در رده اول اهمیت»، بار دیگر سرکوب اعتراض توده‌ای را توجیه کرد و بطوری که جای تردید نماند، نوشت: «در آن لحظه حساس، که سر نوشت کشور به مویی بسته بود، حزب و دولت هیچ راه دیگری نداشتند جز آنکه شورش را با قاطعیت سرکوب کنند».

این حکم قدیمی که حزب کمونیست چین، هر قدر هم که

پیام سیاسی این اعتراضات غیرمنتظره، بسیار پر معناست. جبهه‌گیری سیاسی در چین بطور بی‌سابقه‌ای آشتی ناپذیر است. رهبری کشور، خود را در یک دژ محبوس کرده و تنها لوله‌های تفنگ‌های خود را به سوی مردم دراز می‌کند. اما در نزد فعالان جوان و روشنفکر، که از نوسازی دموکراتیک این کشور عظیم جانبداری می‌کنند، نسخه قدیمی شستشوی مغزی ایدئولوژیک، ناکام مانده است. هر چند مردم فعلاً آرامند، اما در چند روز گذشته به نظر می‌رسد هیچ کس پکن را فراموش نکرده است که چه کسی مسئول قتل قربانیان کشتار ژوئن سال گذشته است.

این در حالی است که حزب کمونیست و ارگان‌های دولتی چین واقعا از هیچ تلاشی برای برقراری آرامش گورستانی در این روز در پکن فروگذار نکردند. از شامگاه جمعه اول ژوئن، «میدان صلح آسمانی»، تین-آن-من - محاصره شد. از این روز تا هفتم ژوئن تنها نیروهای امنیتی و دارندگان اجازه مخصوص می‌توانستند وارد این میدان شوند. یک شهروند پکن می‌گفت: «در تین-آن-من دوباره حکومت نظامی برقرار شده است».

حکومت، درست روز جهانی کودک، اول ژوئن، را به عنوان بهانه برای اعلام میدان به عنوان منطقه ممنوعه نظامی برگزیده بود. در حالیکه همات پارلمان چین، تالار بزرگ خلق، در غرب میدان، و موزه تاریخ انقلاب چین، در شرق میدان، با پرچم‌های عظیم سرخ رنگ تزئین شده بودند، اعضای رهبری چین به میدان آمدند. لی پنگ، نخست‌وزیر و ژیانگ زمین دبیر کل حزب، دستمال گردن‌های سرخ پیشاهنگان را بسته بودند و در حالی که کودکان، جست و خیزکنان، اطراف آنها را گرفته بودند، در میدان جولان می‌دادند. بچه‌ها را وادار به هلله و بازی‌های جنگی با سلاح‌های اسباب‌بازی کرده بودند. بر فراز این صحنه عجیب،

چهارم ژوئن، یک سال از «سرکوب خونین جنبش دموکراسی در چین»، از روزی که ارتش چین، باتوسل به خشونت تظاهرات طرفداران «جنبش دموکراسی» را در میدان تین-آن-من پکن سرکوب کرد، گذشت. از آن هنگام به بعد، کمتر خبر و گزارشی درباره اوضاع داخلی جمهوری خلق چین به خارج رسیده است. در هفته گذشته، روزنامه آلمانی فرانکفورتر روند شاورپرتاژی از خبرنگار خود در پکن را چاپ کرد که ترجمه آن را می‌خوانیم.

در دو روز آخر هفته (دوم و سوم ژوئن) به نظر می‌رسید پکن به فضای تیرهای که در سال گذشته چند روز پس از کشتار چهارم ژوئن به این شهر حاکم بود، بازگشته است. از ساعت ده شب به بعد، واحدهای مسلح پلیس در خیابان‌ها مانع ایجاد کردند. افسران پلیس، اتوموبیل‌های گشتی و موتورسیکلت‌های «سایکار» دار خود را در هر ضلع خیابان‌ها قرار می‌دادند. به ویژه در چهار راه‌های مهم و در میدان تین-آن-من، در قلب پایتخت چین، افراد چهارشانه نیروی ضد شورش، مراقب اوضاع بودند. آنها، گلاخود به سر و با در دست داشتن مسلسل‌های گنگدن کشیده، بطور نمایشی ایجاد ترس می‌کردند. اما دانشجویان دانشگاه بی-دا که از بهترین دانشگاه‌های چین است، مرعوب نشدند. در شامگاه سوم (شب چهارم) ژوئن، درست یک سال پس از آنکه بسیاری از همقطاران آنها در خیابان‌های چین به قتل رسیدند، در حدود هزار دانشجو در محوطه دانشگاه دست به تظاهرات زدند.

این تظاهرات زمانی آغاز شد که دیگر اکثر ناظران پیش‌بینی نمی‌کردند که اقدامات اعتراضی صورت گیرد. ابتدا قرار بود پس از تاریک شدن هوا در سراسر دانشگاه، شمع‌هایی پشت پنجره‌ها گذاشته شود - به نشانه گرامی داشت خاطره قربانیان سال گذشته - اما طبیعتاً است که بسیاری، جرات نکردند دست به این کار بزنند. در نخستین ساعات عصر، یکی از دانشجویان می‌گفت: «شاید بهتر باشد کاری نکنیم که با اقدامات نسنجیده ما، آخرین هوای باقیمانده‌ای را هم که برای تنفس گذاشته‌اند، از ما بگیرند». اما حدود ساعت ده، ناگهان فریادهایی از خوابگاه‌های شماره ۴۶ و ۴۷ که دانشجویان ترم‌های بالا در آن سکونت دارند، به گوش رسید.

وقتی اولین گروه دانشجویان می‌خواستند از خوابگاه بیرون بیایند، به درهای بسته برخوردند و این درها را با لگد باز کردند. جمعیت، به سرعت به هزار نفر رسید. یک مرد جوان، به همقطارانش یادآوری کرد که درست یک سال پیش، صدها و بلکه بیش از هزار نفر در پکن کشتار شدند زیرا برای طلب دموکراسی به خیابان‌ها آمده بودند. وقتی سخنران، دعوت به مبارزه برای دموکراسی و آزادی در چین کرد، شعار «سرنگون باد لی پنگ» «نخست‌وزیر فتن شد (لی پنگ)، نخست‌وزیر چین، سال گذشته در ۱۹ ماه

به دستور اعلام حکومت نظامی را امضا کرده بود). سپس دانشجویان مشغول شکستن بطری‌ها شدند. در زبان چینی «شیائو پینگ» به معنی بطری کوچک است. رهبر حزب کمونیست چین نیز تنگ شیائو پینگ نام دارد.



مقررات سانسور مطبوعات در زمان حکومت نظامی در آفریقای جنوبی شمرت زیادی یافت. روزنامه‌ها اجازه چاپ خبر درباره موفقیت یا گسترش اعتصابات را نداشتند. مکان، زمان یا هدف اعتراضات نمی‌بایستی در اخبار درج می‌شد. وکلای خبرنگاران، دفاتر قطوری از آنچه یک خبرنگار مجاز بدان بود یا نبود، تهیه کرده بودند.

در حالی که سانسور مطبوعات در ماه فوریه امسال لغو شد، دولت آفریقای جنوبی لغو کامل مقررات فوق‌العاده را به بهانه تشدید درگیری‌ها، به ویژه در استان ناتال، رد می‌کرد. در مقابل، کنگره ملی آفریقا این توجیه رژیم را با استناد به این رد می‌کرد که اعمال قهر درست در زمان حکومت نظامی شدت گرفته و احتمالاً بر اثر اعلام آن، آغاز شد.

اخیراً احتی مأموران هالی رتبه امیثیتی نیز خواهان لغو مقررات فوق‌العاده شده بودند. البته قبل از مه با گوشه چشمی به این نکته که قوانین دیگری که پیوسته سخت‌گیرانه‌تر شده‌اند، می‌توانند کار مقررات فوق‌العاده را انجام دهند. از جمله، قانون «امنیت ملی» نیز اجازه می‌دهد که افراد تا ۱۸۰ روز زندانی شوند، و قانون «امنیت عمومی» می‌تواند مبنایی برای اعلام مناطق به عنوان

پیروزی حزب سوسیالیست در انتخابات بلغارستان

موسسه نظرسنجی آلمان، ۴۷/۶ درصد از مردم بلغارستان در مرحله نخست به حزب سوسیالیست، ۳۶/۲ درصد به "اتحاد نیروهای دموکراتیک"، ۸/۸ درصد به حزب دهقانان و ۵/۷ درصد به حزب اقلیت ترک رای داده‌اند. ۸۳ درصد واجدین شرایط در این انتخابات شرکت کردند. در پایتخت بلغارستان، ۵۴ درصد آرا به "اتحاد نیروهای دموکراتیک" و تنها ۴۰ درصد آرا به حزب سوسیالیست داده شد.

پس از انتخابات رومانی، انتخابات بلغارستان نشان داد که در جنوب شرقی اروپا، نیروهای چپ کماکان از حمایت اکثریت مردم برخوردارند. برای پیروزی سوسیالیستها در بلغارستان، عوامل مختلف نام برده میشود. از جمله، این نکته قابل ذکر است که در آستانه انتخابات ملادنفل رئیس جمهوری بلغارستان و عضو حزب سوسیالیست به اپوزیسیون پیشنهاد کرد توافق برای "تحمل و چشم‌پوشی از اعمال قهر" در کارزار انتخاباتی به امضا رسد، اما "اتحاد نیروهای دموکراتیک" که از ائتلاف ۱۶ حزب و گروه تشکیل شده است، این پیشنهاد را رد کرد. پس از مرحله اول انتخابات نیز الکساندر لیلیف رهبر حزب سوسیالیست خواهان تشکیل یک دولت ائتلافی شد اما رهبران اپوزیسیون فوراً مخالفت کردند. کیورانف، عضو رهبری حزب سوسیالیست، در باره هلال موفقیت حزب خود در انتخابات گفت: "هلت پیروزی حزب، این است که سیاست‌های آن کماکان منافع بخش‌بزرگی از مردم را بازتاب میدهد. این منافع عبارت است از امنیت؛ امنیت شغلی، امنیت درآمد، امنیت اجتماعی به معنای وسیع آن." کیورانف به عنوان نمونه، از حق زنان بلغاری برای استفاده از سه سال مرخصی زایمان، پرداخت حقوق بازنشستگی از سوی دولت به کارگران کشاورزی و دهقانان، و رایگان بودن آموزش و خدمات پزشکی نام برد. وی افزود: "برنامه‌ها، گذار به اقتصاد بازار بطور مرحله به مرحله است." تریفونف یکی از رهبران اپوزیسیون، چنین پاسخ داد: "این، امنیت در فقر است. متأسفانه تبلیغات حزب کمونیست در میان این مردم گسترش یافته است. ما تشکیلات قوی برای سازمان دادن مردم نداریم. در کشورمان اتحادیه همبستگی بوده است و نه بهار پرآب. ما از صفر شروع کردیم."

تشکیل دولت دست راستی در اسرائیل

در بحث پارلمان اسرائیل پیش از رای گیری برای دولت جدید، که با ۲۶ رای موافق، ۵۷ رای مخالف و یک رای ممتنع پایان یافت، شولامیت آلونی سخنگوی جنبش حقوق مدنی، گرایشهای ناسیونالیستی دولت جدید را با تمایلات نازی‌ها مقایسه کرد. شیمون پرز رهبر حزب کارگر، کابینه جدید را "رادیکال‌ترین دولت باناسیونالیست‌ترین نخست‌وزیری که این کشور تاکنون داشته است" نامید.

رهبری متحد انتفاضه، قیام مردم فلسطینی ساکن مناطق اشغالی، از همه مردم این مناطق و نیز دولت‌های عربی خواست کالاهای آمریکایی را تحریم کنند. رهبری انتفاضه در این فراخوان از کشورهای عربی دعوت کرده است موضع قاطعی در مقابل سیاست خاورمیانه‌ای واشنگتن اتخاذ کنند و از این طریق، به و توئی ایالات متحده در شورای امنیت علیه اعزام یک هیات ناظر سازمان ملل به کرانه غربی رود اردن و نوار غزه پاسخ دهند. همین بیانیه از دولت شوروی خواسته است مهاجرت یهودیان این کشور به اسرائیل را متوقف سازد. علاوه بر این، ساکنان مناطق اشغالی برای گرامیداشت خاطره کارگران فلسطینی که توسط یک صهیونیست کشتار شدند و برای اعتراض به مناسبت سالگرد اشغال بیت المقدس شرقی در ۲۸ ژوئن ۱۹۸۷، دعوت شده‌اند که در روزهای ۲۰ و ۲۸ ژوئن دست به اعتصاب همومی بزنند.

فروش

۴ میلیارد دلار اسلحه آمریکایی به عربستان

دولت آمریکا می‌خواهد ۴ میلیارد دلار اسلحه به عربستان سعودی بفروشد. از جمله، تحویل خودروهای زره‌پوش و موشک‌های ضدتانک و مدرنیزه کردن سیستم رادار هوایی آواکس در این برنامه پیش بینی شده است. به گفته مقامات آمریکایی، کنگره ایالات متحده در جریان این فروش قرار گرفته است و می‌تواند ظرف ۳ روز آینده آن را واکند.

به گزارش نشریه انگلیسی "فلیت اینترنشنال"، عربستان سعودی کار استقرار ۱۲۰ موشک با برد ۲۷۰۰ کیلومتر را به پایان برده است. این موشک‌ها می‌توانند به سوی اهدافی در سراسر خاورمیانه شلیک شوند. گزارش مزبور می‌افزاید موشک‌های عربستان دارای کلاهک‌های فیر اتمی‌اند، اما می‌توان آنها را به کلاهک هسته‌ای نیز مجهز کرد. به نوشته نشریه انگلیسی، خرید این موشک‌ها توسط عربستان در سال ۱۹۸۷ با کمک پاکستان صورت گرفت.

در روزهای دهم و هفدهم ژوئن، انتخابات دومرحله‌ای پارلمان بلغارستان برگزار شد. نتایج مرحله دوم این انتخابات، تا هنگام تنظیم این گزارش اعلام نشده بود و در شماره‌های بعدی "اکثریت" درباره آن گزارش خواهیم داد. در مرحله نخست، حزب کمونیست پیشین که به حزب سوسیالیست بلغارستان تغییر نام داده است، توانست ۱۷۲ کرسی از ۴۰۰ کرسی پارلمان را به دست آورد. مهم‌ترین نیروی اپوزیسیون به نام "اتحاد نیروهای دموکراتیک" در مرحله اول ۱۰۷ کرسی را به خود اختصاص داد. حزب دهقانان در این مرحله توانست ۱۶ نماینده را به نام خود ثبت کند. یک حزب مدافع اقلیت ترک بلغارستان به ۲۱ کرسی دست یافت. سه نماینده انتخاب شده در مرحله اول، عضو احزاب کوچک دیگرند. سرنوشت ۸۱ کرسی باقی‌مانده، در مرحله دوم که هفدهم ژوئن برگزار شد، تعیین می‌گردد.

کسب ۱۷۲ کرسی پارلمان توسط حزب سوسیالیست در مرحله اول انتخابات در مقابل مجموع ۱۴۷ نماینده از احزاب دیگر، یک موفقیت برای حزب حاکم بلغارستان محسوب می‌شود. در مرحله دوم، سوسیالیست‌ها برای کسب اکثریت مطلق در پارلمان تنها به ۲۹ کرسی از ۸۱ کرسی نیاز دارند. اما لازم به یادآوری است که در مرحله دوم، مجموعه نیروهای اپوزیسیون از طرفداران خود خواهند خواست آرای خود را متحداً به کاندیداهای مقابل حزب سوسیالیست بدهند. در هر حوزة رای‌گیری، تنها دو کاندیدا به مرحله دوم راه یافته‌اند. حزب دهقانان، روز سه‌شنبه هفته گذشته از هواداران خود خواست در مرحله دوم رای‌گیری به نامزدهای "اتحاد نیروهای دموکراتیک" رای دهند. تقریباً همه احزاب کوچک‌تر نیز به این فراخوان پیوسته‌اند. همچنین نمایندگان اقلیت ترک، خواهان انتخاب نامزدهای اپوزیسیون در مرحله دوم شده‌اند.

برخلاف ادعای اپوزیسیون، که طرفداران آن با اعلام نتایج مرحله اول انتخابات دست به تظاهرات زدند، انتخابات بلغارستان به گزارش ناظران بین‌المللی، بطور سالم برگزار گردید. یک ناظر سوییسی گفت تخلف‌ها در حدی نبوده است که تاثیری بر نتیجه انتخابات بگذارد. به گزارش یک

در اسرائیل، بلوک ائتلافی لیکود به رهبری اسحاق شامیر و احزاب کوچک مذهبی افراطی، یک کابینه مشترک تشکیل دادند. توافق راستگرایان و مذهبیون برای تشکیل دولت، سه ماه پس از فروپاشی ائتلاف بزرگ لیکود و حزب کارگر صورت گرفت. ائتلاف جدید که روز دوشنبه ۱۱ ژوئن از پارلمان اسرائیل رای اعتماد گرفت، در مجلس "کنست" از حمایت ۶۲ نماینده برخوردار است. پارلمان اسرائیل ۱۲۰ عضو دارد.

امضای موافقت‌نامه ائتلاف، به هلت اختلاف بر سر تقسیم پست‌های کابینه، سه بار به تعویق افتاده بود. شامیر نخست‌وزیر اسرائیل در آینده به حمایت سه حزب مذهبی وابسته است. این احزاب، از الحاق سرزمین‌های اشغالی به اسرائیل و اخراج فلسطینی‌های مقیم این مناطق به اردن جانبداری میکنند. لیکود و احزاب مذهبی در توافق خود، قرار گذاشته‌اند که برنامه‌های دولت را ادامه دهند. از جمله این برنامه‌ها، برگزاری انتخابات در میان ساکنان مناطق اشغالی برای گزینش یک هیأت نمایندگی فلسطینی در مذاکره با دولت اسرائیل با هدف خودمختاری این مناطق است. فلسطینی‌ها با این طرح دولت شامیل مخالفتند.

در کابینه شامیر، مخالفان مذاکرات صلح با فلسطینی‌ها، اکثریت دارند. دیوید لوی، وزیر سابق مسکن که یک افراطی است، وزیر خارجه خواهد شد. موشه آرنز، وزیر خارجه پیشین، هم‌مدار سمت وزارت دفاع می‌شود که از جمله وظایف آن، سرکوب قیام مردم فلسطین است. آریل شارون، وزیر پیشین بازرگانی، و طرفدار پروپاقرص مشی افراطی در مقابله با فلسطینی‌ها، در کابینه جدید وزیر مسکن است. وی مسئول اسکان مهاجران یهودی از شوروی در مناطق اشغالی خواهد بود. دولت شامیر در صدد است به ویژه در سیاست اسکان یهودیان، مشی آشتی‌ناپذیری را دنبال کند. سه‌شنبه هفته گذشته، دولت اسرائیل اسکان در سرزمین‌های اشغالی را "حق ابدی ملت یهود در خاک اسرائیل" دانست که به هیچ وجه نمی‌تواند مورد تردید قرار گیرد. در بند چهار برنامه دولت جدید آمده است: "دولت، سیاست شهرک‌سازی را تقویت کرده و گسترش خواهد داد."

ایالات متحده به دولت جدید اسرائیل اطمینان داد که کماکان از این کشور حمایت خواهد کرد و تضمین‌های آمریکا در دفاع از اسرائیل به جای خود باقی است. دان کوئیل معاون رئیس‌جمهور آمریکا در واشنگتن ضمن تأکید بر این حمایت ابراز "امیدواری" کرد که دولت اسرائیل با فلسطینی‌ها مذاکره کند.

کمونیسم اروپائی به سوی چپ اروپائی" دفاع کردند. زیرا بر آن بودند که تحول پیشنهادی در این ترزا در راستای پروسه تاریخی است که هم اکنون آغاز شده یعنی تقارب و همگرایی همه کشورهای اروپائی (چه اروپای غربی و چه آنهایی که سابقاً سوسیالیستی نامیده می‌شدند). همه نیروهای چپ اصلاح طلب از کمونیست تا سوسیالیست از دمکرات‌های حاضر در جنبشهای صلح‌تاسیزها باید با هم در جهت واحد و جبهه‌ای مشترک کار و مبارزه کنند.

فضای کنونی، فضای جستجوی راه برای خروج از بحران است و همانگونه که این تابلوی مختصر نشان می‌دهد، برخورد‌های مختلف با موضوع وجود دارد. لکن یک مسئله قطعی است. چرخ تاریخ نه به عقب باز می‌گردد و نه در جای خویشتن می‌ایستد. و ما اگر بخواهیم حزب فردا باشیم باید از چارچوب‌های تنگ تاکنون بیرون بزنیم. ماندگاری پایه‌گذاران سوسیالیسم از توماس مور تا سن سیمون و فوریه و از اینها تا مارکس و انگلس در آن بود که دیدگاهشان از سطح زمان خود، پیش‌تر بود و آینده‌بین‌تر و نیروی چپ در لحظه‌های شتابناک کنونی اگر نخواهد مطابق روند زمانه پیش برود، به امروز راضی باشد و برای فردا نیندیشد، وضع دشواری را پیش رو خواهد داشت. و برای اجتر از این چنین سرنوشتی، ظاهره جز خوشبینی و تلاش فراوان چاره دیگری نیست.

الف. حکیمی ۱۹۹۰مه ۲۲

جام شگفتی‌ها با شگفتی آغاز شد



مرحله نهائی چهاردهمین جام جهانی فوتبال - ایتالیا ۹۰ - تاکنون با شگفتی‌های بسیار همراه بوده است. اولین شگفتی این جام در بازی افتتاحیه روی داد. در این بازی، کامرون باتک گل "توماس بی‌بیگ" در مقابل آرژانتین به پیروزی رسید. تصاویر، نشانگر لحظه به‌شمار رسیدن این گل هستند.



ناآرامی در رومانی

دست به تظاهرات بزنند. در پاسخ به این فراخوان هزاران کارگر معدن برای مقابله با تظاهرات ضد دولتی وارد بخارست شدند. رسانه‌های غربی گزارش می‌دهند که کارگران، به ضرب و شتم مخالفان و تخریب دفاتر احزاب اپوزیسیون پرداخته‌اند. همین رسانه‌ها، شمار این کارگران را که با کلاه ایمنی در خیابانهای بخارست گشت می‌دهند، ۱۰ هزار نفر ذکر کرده‌اند.

ایلیسکو در یک نطق تلویزیونی گفت نیروهای "ناشیستی" سعی در براندازی دولت جدید رومانی دارند. وی از معدنچیان خواست میدان "پیروزی" بخارست و خیابانهای منتهی به آن را اشغال کنند. ایلیسکو خطاب به کارگران گفت که باید از اقدامات خشونت‌آمیز خودداری شود. در روز پنجشنبه، رئیس‌جمهور رومانی از یک بالکن مقر مرکزی "جبهه نجات ملی" در جوار میدان پیروزی، خطاب به هزاران نفر از طرفدارانش سخنرانی کرد. وی هدف مخالفان را روی کار آوردن یک دولت دست‌راستی در رومانی طبق یک نسخه آماده دانست.

در نزدیکی دوربان، "حزب ملی" دکلر متحمل شکست سختی شد. این حزب که در سال گذشته ۵۲ درصد آرا را به دست آورده بود، نتوانست بیش از ۴۸/۲ درصد آرا را کسب کند، و این در حالی است که این حوزه انتخاباتی از مراکز طرفداران حزب حاکم است. در مقابل، حزب محافظه کار که کماکان از جدایی‌نژادی جانبداری می‌کند، آرای خود را به میزان ۲۳/۲ درصد افزایش داد و به بیش از ۴۳ درصد رساند. رهبر این حزب، نتیجه انتخابات را نشانه‌ای بر این امر دانست که سیاست اصلاحات دکلر مخالفت در انتخابات میان دوره‌ای پارلمان در شهرک سفید پوست نشین اوملازی حمایت اکثریت برخوردار نیست.

برخی دولت‌های غربی می‌خواهند به جبهه لفظ حکومت نظامی، به این تحریم‌ها خاتمه دهند، اما کنگره ملی آفریقا تا تأکید بر اینکه هنوز آپارتاید در آفریقای جنوبی برقرار و هنوز اکثریت سیاه‌پوست از حق رای و حق تعیین سرنوشت محروم است، بر ضرورت ادامه این تحریم‌ها پافشاری می‌کند.

از سوی دیگر، دولت دکلر رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی بطور فزاینده‌ای تحت فشار افراطیون راست قرار گرفته است که با سیاست اصلاحات دکلر مخالفت در انتخابات میان دوره‌ای پارلمان در شهرک سفید پوست نشین اوملازی

جنبش جهانی کمونیستی ...

هتای کامل کلمه را الزامی می‌سازد. ابتکار بزرگ ارباب‌چف و سیاست‌هایش نیز در همین سمت و

وست. همه اینها به معنای احتراز از مبارزه یا دوری ستن و تبری از ارزش‌های سوسیالیستی نیست، بلکه رست برهکس به این امر تاریخی، باید معنای شخص و ملاق سنجش نوین و مطابق اوضاع کنونی بهان بخشید. مبارزه برای سوسیالیسم، گذار به یک بیستم معین و از پیش تعیین شده و معلوم نیست. ما بر این راه پروسه‌ای را در پیش رو داریم که در طی ن باید یک مدل رشد زنده و واقعی پدیدار شود. نابراین سوسیالیسم هیچ فرمول از پیش تصویب و همین شده ندارد. باید برخوردی نوین و انتقادی را به‌هنگ و طراحی نمود، ارزش‌های اساسی را تعیین نرد و وظایف را به طور قطعی و مشخص در مقابل خود قرار داد.

اکتوو، کنگره ۱۹ ح. ک. را آغاز مرحله‌ای چرخشی در تاریخ حزب نامید که در این مرحله، حزب باید پایگاه اجتماعی خود را گسترش دهد، نام خود را تغییر دهد و به جبهه واقعی اصلاح طلبان اجتماعی - سیاسی تبدیل شود. این حزب دموکراتیک نوین، حزب نیروهای چپ است که برای تحکیم قدرت این نیروها در سطح تمام اروپا می‌رزد و به همین دلیل ح. ک. ا. به انترناسیونال سوسیالیستی می‌پیوندد.

بحث در کنگره توانائی بود. ولی بالاخره ۵۶ درصد نمایندگان، از ترزهای "اکتوو" تحت عنوان "از

"مناطق ناآرام" باشد. حتی

حضور ارتش در استان نیز می‌توانست بدون حکومت نظامی ادامه یابد. اما ظاهراً سران رژیم پرتوریا ترجیح داده‌اند در این استان کماکان حکومت نظامی را پابرجا نگه دارند.

همزمان با تحولات جدید در آفریقای جنوبی، نلسون ماندلا سفر خود به ۴۵ کشور اروپایی، آمریکایی، آفریقایی و آسیایی را آغاز کرد. وی از جمله سفرهایی به فرانسه، آلمان غربی، آمریکا و ایران خواهد داشت. ماندلا در این سفرها خواهد کوشید دولت‌ها، به ویژه دولت‌های غربی را به ادامه تحریم‌های اقتصادی علیه آفریقای جنوبی ترغیب کند.

پكن يك سال پس از تراژدى تين - ان - مين

در صفحه ۶

پيمان ورشو در آستانه انحلال ؟

پاسخی به تسلیح مجدد آلمان غربی و پیوستن آن به ناتو بود. آلمانی در سال ۱۹۶۸ از پیمان ورشو خارج شد. اعضای کنونی پیمان ورشو عبارتند از: شوروی، لهستان، آلمان شرقی، مجارستان، چکسلواکی، بلغارستان و رومانی. مدت اعتبار پیمان ورشو نخست ۳۰ سال بود اما در سال ۱۹۸۵ این قرارداد به مدت ۲۰ سال دیگر تمدید شد. همزمان با اجلاس پیمان ورشو، وزاری خارجه کشورهای ناتو در شهر ترنبری اسکاتلند گرد هم آمدند. در این نشست اعلام شد ناتو آماده است به شرط موافقت شوروی با عضویت آلمان واحد در ناتو، مزر کنونی آلمان شرقی و لهستان را تضمین کند.

دیگر پیشنهاد نمود تعهدات دو دولت آلمان به صورت عضویت آلمان واحد در دو پیمان ورشو و ناتو اجرا شود. جوزف آنتال نخست وزیر مجارستان پیش از سفر به مسکو خواهان انحلال کامل پیمان ورشو شده بود. وزیر خارجه مجارستان در اجلاس اتحادیه بین المجالیس اروپای غربی در پاریس گفت به نظر دولت مجارستان، آلمان واحد باید به عضویت ناتو در آید. پیمان ورشو سالها پس از تاسیس ناتو منعقد شد. تشکیل پیمان ورشو در سال ۱۹۵۵،

هفته گذشته، اجلاس سران هفت کشور عضو پیمان ورشو در مسکو برگزار شد. در این اجلاس، میخائیل گارباچف رئیس جمهور شوروی خواهان دگرگونی رادیکال این پیمان گردید. وی پیشنهاد کرد پیمان ورشو و ناتو همکاری نزدیکی را آغاز و نهادهای مشترکی را ایجاد کنند. در اجلاس مسکو، کشورهای عضو پیمان ورشو توافق کردند که هیچ یک از اعضای این پیمان، قبل از انحلال آن پیمان را ترک نکنند. به گفته سخنگوی دولت آلمان شرقی، گارباچف در نشست مسکو از برابر حقوقی اعضا و دموکراتیزه کردن پیمان ورشو و گسترش جنبه سیاسی آن جانبداری کرد. وی بار

یک مقام آمریکایی شرکت کننده در گفتگوهای بوش و گارباچف در کمپ دیوید، این مذاکرات را "بهترین مذاکرات" دور رئیس جمهور درباره موضوع افغانستان دانست، اما افزود که دوطرف موفق به حل کامل اختلافات نشده اند. دو مقام عالی رتبه دیگر آمریکایی گفتند دو کشور به توافقی بر سر یک سلسله اصول حاکم بر دوره گذار در حل بحران ۱۰ ساله افغانستان، نزدیک شده اند. به گفته منابع آمریکایی، این اصول عبارتند از:

- سرکشی آخرومیف، یکی از مشاوران عالی رتبه گارباچف در امور نظامی، گفت که دو طرف "اتحاد قابل ملاحظه‌ای در مورد چگونگی حل مساله افغانستان توافق کرده اند. وی افزود آمریکا اکنون در یافته است که نمیتوان حکومت افغانستان را از طریق نظامی شکست داد.
- انتخابات آزاد و عادلانه به عنوان کلید راه حل سیاسی.
- ضرورت یک مکانیزم با اعتبار برای نظارت بر انتخابات.
- نظارت سازمان ملل و سازمان کشورهای اسلامی بر انتخابات در دوره گذار.

طبق اظهارات جیمز بیکر، وزیر خارجه آمریکا در کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان این کشور، ایالات متحده و اتحاد شوروی به توافقی برای پایان جنگ در افغانستان نزدیک شده اند و تنها "یک اختلاف بسیار بسیار جزئی" باقی مانده است. بیکر در سخنان خود، نکته مورد اختلاف را ادامه زمامداری نجیب الله رئیس جمهور افغانستان در هنگام دوره گذار، شامل مدت برگزاری انتخابات ذکر کرد.

امریکا مدعی است انتخابات در شرایط ادامه حکومت نجیب الله برای اکثریت مردم افغانستان پذیرفتنی نخواهد بود. اتحاد شوروی حاضر به اعمال فشار بر رهبر افغانستان برای کناره گیری نیست.

اظهارات بیکر، خوشبینانه ترین موضع گیری یک مقام عالی رتبه آمریکایی در مورد افغانستان ظرف چند ماه اخیر است. این اظهارات، بدنبال یک سلسله گفتگوهای آمریکا و شوروی در سطوح مختلف صورت گرفت: میان بیکر و شوارندادزه در مسکو در ماه مه، میان بوش و گارباچف در کمپ دیوید در روز دوم ژوئن، و میان بیکر و شوارندادزه در روز ششم ژوئن در کینگما.

بلافاصله پس از ملاقات کمپ دیوید،

آفریقای جنوبی: لغو حکومت نظامی

سیاسی میان گروههای رقیب سیاه پوستان است. دکلرک همچنین اعلام کرد "در ادامه هادی ساختن وضع" به زودی دستور آزادی ۴۸ زندانی سیاسی را خواهد داد. وی از کنگره ملی آفریقا به خاطر خودداری این سازمان از چشم پوشی از اعمال قهر، انتقاد کرد. دکلرک گفت دولت آفریقای جنوبی مصمم است روند اصلاحات را ادامه دهد. رئیس جمهور آفریقای جنوبی خاطر نشان ساخت: "مانی توانیم جهان را متوقف کنیم و پیاده شویم ... نمی توانیم به گذشته باز گردیم".

فردیک ویلم دکلرک رئیس جمهور آفریقای جنوبی لفو حکومت نظامی در سه استان از چهار استان این کشور را اعلام کرد. وی روز پنجشنبه ۷ ژوئن در پارلمان آفریقای جنوبی در کیپ تاون گفت از نیمه شب جمعه، حکومت نظامی چهار ساله در این سه استان پایان می یابد. دکلرک در همین حال افزود که پلیس آفریقای جنوبی را تقویت خواهد کرد. رئیس جمهور آفریقای جنوبی طی نطقی که از تلویزیون پخش شد گفت حکومت نظامی وجود سراسری دیگر وجود نخواهد داشت، اما در استان ناتال کهاکان بازداشت بدون تنظیم کیفر خواست، مجاز خواهد بود. استان ناتال، یکی از مراکز درگیری های خشونت آمیز

همارت مقر دولت راهپیمایی کرده، این ساختمان رابه محاصره خود در آورده، خواهان استعفای دولت ظرف سه روز شدند. بسیاری از اهالی ازبک قریزستان مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. تعدادی از دانشجویان ازبک مقیم فروزنه به یک پادگان پناهنده شدند. وزیر کشور شوروی اعلام کرد در ناآرامی های روزهای گذشته ۴۸ نفر کشته و ۳۳۳ تن مجروح شده اند. وی گفت نیروهای پلیس، مرزبانی و وزارت کشور به مرکز ناآرامی ها که در جنوب قریزستان است اعزام گشته اند. به گفته یک سخنگو، این نیروها تا کنون بطور مستقیم در نبردها درگیر نشده اند. مقامات دولتی و حزبی قریزستان طی نطق های رادیو تلویزیونی مردم را دعوت به آرامش کردند. چنگیز آیتماف نویسنده قریز که شهرت جهانی دارد، در فراخوان مشابهی از مردم خواست به درگیری ها خاتمه دهند. آیتماف عضو شورای جمهوری اتحاد شوروی است.

روز پنجشنبه ۷ ژوئن در شهر فروزنه پایتخت قریزستان مقررات فوق العاده اعلام شد. برقراری حکومت نظامی بنا به تصمیم پارلمان قریزستان و برای جلوگیری از ادامه درگیری ها صورت گرفت. به گزارش تاس، از نخستین ساعات پنجشنبه هزاران نفر در فروزنه پیوسته مشغول تظاهرات بودند. این گزارش از وقوع قمارت و اعمال خشونت آمیز خبر می دهد. در حدود ۴ هزار نفر از شرکت کنندگان در تظاهرات، به سوی

ناآرامی در قریزستان

قریزستان هفته گذشته شاهد ناآرامی های خونی بود. میان دو گروه ملی قریزی و ازبکی، درگیری های شدیدی روی داد که دهها و شاید صدها کشته به همراه داشت. وادیم باکاتین وزیر کشور شوروی نسبت به احتمال بروز درگیری مسلحانه بین دو جمهوری قریزستان و ازبکستان هشدار داد. وی گفت:

جنگ داخلی در لیبی

ریگان در سال ۱۹۸۷ تا آن جا پیش رفت که طی دیداری از مونروویا، پایتخت لیبی، مدعی شد که لیبی دارای مطبوعات آزاد و دولت منتخب است و در آن زندانی سیاسی وجود ندارد. این حمایت آمریکا بیپایه نبود. ایالات متحده در ازای کمک های میلیونی (که مجموع آن از ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۸ به ۵۰۰ میلیون دلار رسید)، زمام امور را در لیبی در دست دارد. نیروهای آمریکایی می توانند در هنگام بحران از بندر و فرودگاه مونروویا استفاده کنند. فرودگاه مونروویا در میان یک مزرعه ۵۰۰ مزاری کائوچو قرار دارد که به شرکت لاستیک سازی آمریکایی فایرستون متعلق است. آمریکا در خاک لیبی یک فرستنده نظامی و یک ایستگاه تقویت کننده رادیوی "صدای آمریکا" را مستقر کرده است.

در کشور آفریقای لیبی، درگیری میان ساموئل دو، رئیس جمهور، و رابرت تیلور، رهبر شورشیان ادامه دارد. تاکنون نیروهای دولتی توانسته اند تنها فرودگاه لیبی را در دست خود نگه دارند. تلاش پرزیدنت دو برای کسب حمایت آمریکا، دوست قدیمی لیبی، شکست خورده است و گفته می شود ایالات متحده از شورشیان حمایت می کند. ساموئل دو یک بار دیگر کوشید حیات رژیم سرکوبگر خود را با کمک واشنگتن تمدید کند. وی گفت در انتخابات ۱۹۹۱، "دیگر بطور قطع" نامزد ریاست جمهوری نخواهد شد، و از ایالات متحده خواست در جنگی که هر ماه است میان نیروهای دولتی و شورشیان در گرفته است، جانب او را بگیرد. اما آمریکا می خواهد پس از ده سال، دورا به حال خود رها کند. طرف این مدت، واشنگتن سالانه ۹۰ میلیون دلار به لیبی کمک می کرد. لیبی در سال ۱۹۴۷ توسط بردگان آزاد شده آمریکایی تشکیل شد.

برخلاف امیدهای ساموئل دو، شش کشتی آمریکایی که با هلی کوپترهای جنگی و دو هزار نظامی هازم غرب آفریقا شده اند، به خاطر کمک به او نیامده اند. وزارت دفاع آمریکا اعلام کرد: "این ماموریت، یک اقدام احتیاطی برای تخلیه احتمالی شهروندان آمریکایی و سایر غیر نظامیان است." در لیبی دو هزار آمریکایی به سر می برند.

ساموئل دو از سوی مخالفان خود، ایدی امین و مارکوس غرب آفریقا لقب گرفته است. او ظرف ده سال گذشته در قتل، شکنجه، ارباب و دستگیری، گوی سبقت را از اکثر هم تانانش در آفریقای سیاه ربود. رژیم دودر سال ۱۹۸۳ انتخابات برگزار کرد. ظاهرا این انتخابات آزاد بود و حتی احزاب اپوزیسیون در آن شرکت داشتند. اما ساموئل دو دستور داده بود آرای مخالف را تا حدی از بین ببرند که نتیجه انتخابات، کسب ۵۱ درصد آرا از سوی حزب حاکم شود. از آن به بعد، رژیم دیکتاتوری بر سرکوبگری خود افزود. روزنامه نگاران ممنوع القلم شدند. خانه های مخالفان را آتش می زدند. فعالیت احزاب را ممنوع می کردند. رهبران مخالف را به زندان مخوف بل یالا می بردند و شکنجه می دادند.

در واشنگتن کسی به نقض حقوق بشر در لیبی اهمیت نمی داد. جرج شولتز، وزیر خارجه دولت

توضیح

بعلت برگزاری کنفرانس پیش کنگره های بخشی از نمایندگان کنگره، شماره ۳۵۸ نشریه اکثریت بجای روز دوشنبه ۱۱ ژوئن (۲۱ خرداد)، دوشنبه ۱۸ ژوئن (۲۸ خرداد) منتشر شد.

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثريت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمربستی و یا رسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

اخبار کوتاه جهان

* در چکسلواکی انتخابات پارلمانی برگزار شد. انتظار می رود برنده انتخابات هشتم و نهم ژوئن، "جمع شهروندان" باشد که واسلاو هاول رئیس جمهور چکسلواکی بینا گذار آن است. پیش بینی می شود، حزب کمونیست چکسلواکی در حدود ۱۰ درصد آرا به دست آورد.

* حزب متحد کمونیست های ترکیه قانونی شد. این حزب هفته گذشته اسناد خود را به وزارت کشور ترکیه تسلیم کرد و نخستین حزب کمونیست هلنی ترکیه گردید. اخیرا حیدر کوتلو و نیهای سارگین رهبران حزب از زندان آزاد شدند.

* بدنبال حمله نافرجام کماندوهای "جبهه های بخش فلسطین" به رهبری ابو العباس عضو کمیته اجرایی ساف به خاک اسرائیل، مذاکرات دولت آمریکا و ساف در آستانه قطع شدن قرار گرفت. دولت آمریکا از ساف خواسته است برای ادامه این مذاکرات، حمله مزبور را محکوم کند.

بهای اشتراك	اروپا	دیگر نقاط
شش ماهه	۱۱ مارک	۱۳ مارک
یک ساله	۲۱	۲۴

بهای اشتراك	اروپا	دیگر نقاط
سه ماهه	۲۷ مارک	۳۰ مارک
شش ماهه	۵۲	۵۸
یک ساله	۱۰۲	۱۱۵

آدرس کامل (لطفا خوانا بنویسید)

اکثريت

نشریه سازمان فدائیان خلق

ایران (اکثريت) در خارج از کشور

حساب بانکی: M.ABD

کد بانک: ۳۵۲۶۳۰۱۱

۳۷۰۵۰۱۹۸

Stadtsparkasse Köln

W.GERMANY

AKSARIYAT

NO. 308

MONDAY 18 Jun 1990

آدرس: RUZBEM

POSTFACH 1810

5100 AACHEN

W.GERMANY